

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

بررسی موضوعی قرآن

(با نگاهی انتقادی)

نوشته ی محمد حسین مهرابی

باید توجه داشت که مفسرین و مترجمین قرآن اگر ابهامات یا تناقضاتی در برخی آیات یا چند آیه از یک یا چند سوره در ارتباط با موضوعی خاص مشاهده کنند، به گونه ای تفسیر می‌کنند که انگار الله دقت لازمه را به خرج نداده و تنها ایشان هستند که در رفع ابهام و تناقض برآمده‌اند و این در حالی است که کلام وحی باید آنقدر دقیق و صریح باشد که جای کوچکترین شک و شبهه باقی نگذاشته و نیازی به ابهام زدایی و رفع و رجوع تناقضات از آن توسط ذهن انسانی نباشد.

به دلیل وجود چنین آیاتی است که در نهایت نیز انحصار تفسیر و حتی ترجمه را عده‌ای خاص از دکانداران دین در اختیار می‌گیرند. ایشان در توجیه عمل خود نیز با مغالطه^۱ بیان می‌کنند که همان گونه که کتب ریاضی، فیزیک و شیمی را هر کسی نمی‌تواند تفسیر کند، بلکه تنها متخصصین هستند که قادر به این کار بوده و بنا بر مرجعیتشان اجازه ی چنین کاری را می‌یابند، پس قرآن نیز باید توسط متخصصین تفسیر گردد؛ اما باز هم تاکید می‌کنم که کلام الله باید در نهایت دقت و روشنی باشد نه اینکه مستلزم برداشتهای متفاوت و بعضاً متضاد باشد.

۱ - مسأله‌ی ارث

با بیان این مقدمه، بخش نخست این نوشته را به چند آیه از سوره‌ی نساء اختصاص می‌دهم:

آیه ی ۱۱: *يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ...*

خداوند به شما درباره ی فرزندان سفارش می‌کند: سهم پسر، چون سهم دو دختر است. و اگر [همه ی ورثه] دختر [و] از دو تن بیشتر باشند، سهم آنان نوسوم ماترک است؛ و اگر [دختری که ارث می‌برد] یکی باشد، نیمی از میراث از آن اوست، و برای هر یک از پدر و مادر وی [متوفی] یک ششم از ماترک [مقرر شده] است، این در صورتی است که [متوفی] فرزندی نداشته باشد، ولی اگر فرزندی نداشته باشد [تنها] پدر و مادرش از او ارث برند، برای مادرش یک سوم است [و بقیه را پدر می‌برد]، و اگر برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می‌برد... (ترجمه ی فولادوند).

... پسر را برابر بهره دو دختر باشد، و اگر [وارثان، دو دختر یا] بیشتر از دو دختر باشند، سهم آنان نوسوم ترکه است... (ترجمه ی خرمشاهی).

... پسر دو برابر دختر ارث برد، پس اگر همه دختر و بیش از دو تن باشند فرض همه دوثلث [فرض ها یعنی سهمیه های معین ارث، شش نوع است: نصف، ربع، ثمن (یک هشتم)، سدس (یک ششم)، ثلث، ثلثان (دوسوم)] ترکه است... (ترجمه ی الهی قمشه ای).

حال خواننده را به نکاتی چند رجوع می‌دهم:

۱ - نخست اینکه از آغاز آیه با اجحاف در حق دختران و زنان مواجهیم که چون به اندازه ی کافی انتقاد شده است، از آن می‌گذریم. جالب توجه است که سهم الارث مثلا سه دختر با ده دختر (در نبود اولاد ذکور، طبق مدعای مترجمین) یکی است!

^۱ از مغالطه ی امر نامربوط بهره می‌گیرند، چرا که ماهیت کتب علمی با قرآن متفاوت است. کتب علمی اساسا نیازی به تفسیر ندارند، بلکه با تکیه بر شواهد تجربی یا استدلالات صرفا منطقی و ریاضی، از ابهام دوری کرده و در صورت بروز تناقض نیز در متن و محتوایشان تغییرات اساسی داده می‌شود تا رفع تناقض گردد. به عبارتی، فرض بروز اشتباه در متون علمی ملحوظ است و همواره قابلیت تصحیح در آنها وجود دارد. درست برخلاف قرآن که کتابی ازلی و ابدی مفروض می‌شود و بنابراین فتحه یا ضمه ای را تغییر دادن یا کلمه ای را عوض و جابه جا کردن یا اضافه کردن و یا انداختن، معادل با امضای حکم مرگ می‌باشد. اما با این همه، تغییر دادن مفهوم یک یا چند آیه برای این مفسرین مجاز به نظر می‌رسد. ایشان گاهی از دروازه رد نمی‌شوند، اما گاهی از سر سوزن نیز می‌گذرند.

- ۲- در صورت ترجمه ی دقیق و مو به موی انتهای سطر نخست و سطر دوم، هیچ ذکری از نبود اولاد ذکور یا بودن تنها دختران متوفی، به میان نیامده است. در واقع ترجمه ی دقیق و لفظ به لفظ چنین است: ... پس اگر باشند زنان بیش از دو تن، پس برایشان دوسوم ماترک است و اگر یک زن باشد، برایش نصف است...
- ۳- ملاحظه می کنیم که فولادوند و خرمشاهی، نبود اولاد ذکور را در گروه آورده اند؛ یعنی خود می دانند که نکته مذکور در نص صریح آیه نیامده است. جالب است که الهی قمشه ای حتی چنین کاری را نیز (که کمترین کار شرافتمندانه بوده است) انجام نداده است.
- ۴- در بین این سه مترجم، تنها خرمشاهی است که با تیزبینی و عدم صداقت در ترجمه و در داخل گروه می نویسد "وارثان، دو دختر یا". در صورتی که ترجمه ی درست "بیش از دو دختر" است. حال چرا چنین کرده است؟ زیرا الله در مورد سه دختر و بیشتر و همچنین یک دختر سخن رانده است و حکم برای دو دختر را فراموش نموده است!
- ۵- پس از ذکر دوسوم و نیز یک دوم، تکلیف بقیه ی ماترک نامعلوم است. مثلاً اگر مردی تنها با داشتن والدین و یک دختر (بدون داشتن همسر و همچنین خواهر و برادر و...) بمیرد، طبق آیه ی فوق هر یک از والدین یک ششم و تنها دخترش نصف ارث را خواهند برد. پرسش این است که یک ششم باقیمانده را که می برد؟! ممکن است گفته شود (علیرغم این که در قرآن ذکر نشده است) مثلاً یک ششم باقیمانده بین وارثین تقسیم می گردد، که در آنصورت دیگر سهم ها یک ششم و نصف باقی خواهند ماند، و این نیز سرپیچی از اجرای نص صریح آیه ی فوق خواهد بود. پس تنها راه ممکن این می تواند باشد که یک ششم باقیمانده مثلاً به جیب حاکم شرع یا دیگر دکانداران دین سرازیر گردد!
- ۶- چرا مترجمین اصرار بر نبود اولاد ذکور در همان انتهای سطر نخست و آغاز سطر دوم دارند؟ چرا که با وجود اولاد ذکور، تناقض آشکار خواهد شد: فرض کنید متوفی تنها دارای p پسر و d دختر باشد (بدون داشتن همسر و والدین و همچنین خواهر و برادر و...). در اینصورت سهم هر پسر $\frac{2}{d+2p}$ و سهم هر دختر $\frac{1}{d+2p}$ از ماترک خواهد بود. حال اگر $d > 2$ ، در اینصورت باید سهم دختران دوسوم و سهم پسران یک سوم ماترک باشند. بنابراین سهم هر پسر $\frac{1}{3p}$ از ماترک خواهد بود. در نتیجه برای گریز از تناقض، باید
- $$\frac{2}{d+2p} = \frac{1}{3p}$$
- یا معادلاً $d = 4p$ ؛ به عبارتی، اگر $d \neq 4p$ ، در اینصورت به تناقض آشکار خواهیم رسید. به عنوان نمونه، اگر تعداد دختران سه و تعداد پسران دو تن باشند، در اینصورت طبق سطر نخست آیه، سهم هر دختر $\frac{1}{7}$ و سهم هر پسر $\frac{2}{7}$ ماترک خواهد بود. اما طبق سطر دوم آیه سهم هر دختر $\frac{2}{9}$ و سهم هر پسر $\frac{1}{6}$ ماترک خواهد شد که آشکارا در تناقض با یکدیگرند.

آیه ی ۱۲: وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ...

و نیمی از میراث همسرانتان از آن شما [شوهران] است اگر آنان فرزندی نداشته باشند؛ و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم ماترک آنان از آن شملت، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده اند یا نبینی [که باید استثنای شود]، و یک چهارم از میراث شما برای آنان است اگر شما فرزندی نداشته باشید؛ و اگر فرزندی داشته باشید، یک هشتم میراث شما از ایشان خواهد بود، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده اید یا نبینی [که باید استثنای شود]. و اگر مرد یا زنی که

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

از او ارث می برند کلاله [=بی فرزند و بی پدر و مادر] باشد و برای او برادر یا خواهری باشد، پس برای هر یک از آن نو، یک ششم [ماترک] است؛ و اگر آنان بیش از این باشند در یک سوم [ماترک] مشارکت دارند... (ترجمه ی فولادوند).

دو مترجم دیگر (بویژه خرمشاهی) تقریباً ترجمه ای مشابه فولادوند آورده اند، که برای اجتناب از به درازا کشیده شدن کلام، ذکر نمی گردند.

در حق این آیه می توان گفت:

۷- باز ملاحظه می شود که جامع بحث نشده است. مثلاً اگر متوفی کلاله و بدون همسر باشد و یک یا بیشتر از

یک خواهر و یک یا بیشتر از یک برادر داشته باشد، تکلیف دو سوم باقیمانده ی ماترک چیست؟

۸- تصور کنید متوفی زنی بوده که شوهر و پدر و مادرش در قید حیات هستند و دارای یک دختر است و فاقد

خواهر و برادری باشد. در اینصورت مطابق آیه ی ۱۱، سهم دختر متوفی نصف ماترک، سهم پدر متوفی یک

ششم ماترک، سهم مادر متوفی یک ششم ماترک و طبق آیه ی ۱۲، سهم شوهر متوفی یک چهارم ماترک خواهد

بود. به راحتی دیده می شود $\frac{1}{6} + \frac{1}{6} + \frac{1}{4} + \frac{1}{2} = \frac{13}{12}$ ؛ یعنی یک دوازدهم ماترک را اضافه می آوریم!

حال اگر گفته شود که این سهم اضافی به نسبتی معین از هر چهار نفر کم می گردد، در آنصورت دیگر سهم ها

مطابق نص صریح قرآن توزیع نگردیده اند و به هر حال اشکال مرتفع نمی گردد. یا مثلاً فرض کنید متوفی

مردی بوده که همسر و پدر و مادرش در قید حیات هستند و دارای یک دختر است و فاقد خواهر و برادری

باشد. در اینصورت مطابق آیه ی ۱۱، سهم دختر متوفی نصف ماترک، سهم پدر متوفی یک ششم ماترک، سهم

مادر متوفی یک ششم ماترک و طبق آیه ی ۱۲، سهم همسر متوفی یک هشتم ماترک خواهد بود. به راحتی دیده

می شود $\frac{1}{6} + \frac{1}{6} + \frac{1}{8} + \frac{1}{2} = \frac{23}{24}$ ؛ یعنی یک بیست و چهارم ماترک را کم می آوریم! حال اگر گفته

شود که این کمبود سهم به نسبتی معین به هر چهار نفر اضافه می گردد، در آنصورت دیگر سهم ها مطابق نص صریح قرآن توزیع نمی گردند و باز اشکال باقی است.

۹- جالب توجه است که دستورات فوق الذکر در این دو آیه، در قوانین مربوط به ارث در جمهوری اسلامی لحاظ گردیده اند:

ماده ی ۸۹۹: فرض (سهم) سه وارث نصف ترکه است: ۱-... ۲- دختر اگر فرزند منحصراً باشد ۳-... .

ماده ی ۹۰۰: فرض دو وارث ربع ترکه است: ۱- شوهر در صورت فوت زن، با داشتن اولاد ۲-... .

ماده ی ۹۰۲: فرض دو وارث دوثلث ترکه است: ۱- دو دختر و بیشتر در صورت نبودن اولاد ذکور ۲-... .

ماده ی ۹۰۴: فرض سه وارث سدس ترکه است: ۱- پدر ۲- مادر ۳-... .

ماده ی ۹۰۸: هرگاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو ابویین (پدر و مادر) او موجود باشند با یک دختر، فرض هر

یک از پدر و مادر سدس (۱/۶) ترکه و فرض دختر نصف آن خواهد بود و مابقی باید بین تمام وراثت به نسبت

فرض آنها تقسیم شود مگر اینکه مادر حاجب داشته باشد که در اینصورت مادر از مابقی چیزی نمی برد.

ماده ی ۹۰۹: هرگاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو ابویین (پدر و مادر) او موجود باشند با چند دختر (دو یا بیشتر)،

فرض هر یک از پدر و مادر سدس (۱/۶) ترکه و فرض تمام دخترها دوثلث ترکه خواهد بود که بالسویه بین

آنها تقسیم می شود و مابقی اگر باشد باید بین تمام وراثت به نسبت فرض آنها تقسیم شود مگر اینکه مادر حاجب

داشته باشد که در اینصورت مادر از مابقی چیزی نمی برد.

ماده ی ۹۱۳: در موارد ۹۰۸ و ۹۰۹، هر یک از زوجین که زنده باشد فرض خود را می برد و این فرض

عبارت است از نصف ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه در صورتیکه میت اولاد یا اولاد نداشته

باشد و از ربع ترکه برای زوج و ثمن (۱/۸) آن برای زوجه در صورتیکه میت اولاد یا اولاد داشته باشد

و مابقی ترکه طبق مقررات مواد ارث ما بین سایر وراثت تقسیم می شود.

حال فرض کنید مردی متوفی تنها بازماندگانش، همسر، سه دختر و پدر و مادرش باشند. در اینصورت همسر

۱/۸، هر دختر ۲/۹ (جمعاً ۲/۳)، پدر ۱/۶ و مادر نیز ۱/۶ ماترک را ارث خواهند برد. پس

$$\frac{1}{8} + \frac{1}{6} + \frac{1}{6} + \frac{2}{3} = \frac{9}{8} !$$

در این حالت، ماده ی ۹۱۴ حکم می کند که ۱/۸ ماترک را از همه ی دختران بیچاره کسر نمایند! حال فرض کنید مردی متوفی تنها بازماندگانش، همسر، سه دختر و پدرش باشند. در اینصورت همسر ۱/۸، هر دختر ۲/۹ (جمعاً ۲/۳) و پدر ۱/۶ ماترک را ارث خواهند برد. پس

$$\frac{1}{8} + \frac{1}{6} + \frac{2}{3} = \frac{23}{24} !$$

در این حالت، ماده ی ۹۱۴ حکم می کند که ۱/۲۴ ماترک را تنها به پدر و دختران دهند و همسر بیچاره نصیبی نخواهد برد!

ماده ی ۹۱۴: اگر به واسطه ی بودن چندین نفر صاحبان فرض ترکه ی میت کفایت نصیب تمام آنها را نکند [اگر قوانین دقیق و کامل است، چرا باید چنین شود؟!]. نقص بر بنت و بنتین وارد می شود [!] و اگر پس از موضوع کردن نصیب صاحبان فرض زیادتى باشد [باز هم چرا باید چنین شود؟!]. و وارثی نباشد که زیاده را به عنوان قرابت ببرد این زیاده بین صاحبان فرض بر طبق مقررات مواد ارث تقسیم می شود لیکن زوج و زوجه مطلقاً [!] و مادر اگر حاجب داشته باشد از زیادتى چیزی نمی برد. می توان دید که ماده ی ۹۱۴ صریحاً در تضاد با مواد ۸۹۹، ۹۰۲، ۹۰۸ و ۹۰۹ می باشد. همچنین در متن مواد فوق نقطه و ویرگول گذاری مناسب دیده نمی شود! و البته وجود واژه های عربی مثل بنت، بنتین، سدس و... در متن قوانین یک کشور فارسی زبان جای شگفتی است!

۲- موضوع خلقت

حال آیاتی در رابطه با خلقت ذکر می شوند:

سوره ی اعراف، آیه ی ۵۴ و سوره ی یونس، آیه ی ۳: *إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...*

پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید... (ترجمه ی فولادوند)

خالق و پروردگار شما به حقیقت خداست که جهان را از آسمانها و زمین در شش روز (یعنی مقدار شش روز یا شش مرتبه ی وجودی) خلق فرمود... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

پروردگار شما همان کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید... (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی هود، آیه ی ۷: *وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...*

و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید... (ترجمه ی فولادوند)

و اوست خدایی که آسمانها و زمین را در فاصله ی شش روز آفرید... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز بیافرید... (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی فرقان، آیه ی ۵۹ و سوره ی سجده، آیه ی ۴ که البته "الله" پیش از "الذی" آمده است: *الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...*

همان کسی که آسمانها و زمین، آنچه را که میان آن دو است، در شش روز آفرید... (ترجمه ی فولادوند)

دو مترجم دیگر (خرمشاهی و الهی قمشه ای) نیز تقریباً همین ترجمه را ذکر کرده اند.

سوره ی ق، آیه ی ۳۸: *وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...*

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

و در حقیقت، آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، در شش هنگام آفریدیم... (ترجمه ی فولادوند)

و همانا ما آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست همه را در شش روز آفریدیم... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

و به راستی که آسمانها و زمین و ما بین آنها را در شش روز آفریدیم... (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی حدید، آیه ی ۴: هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...

که دقیقاً در هود ۷ تکرار شده است (به جز "و").

سوره ی فصلت، آیات ۹، ۱۰، ۱۲:

۹: ... خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ ...

۱۰: ... وَقَدَّرَ فِيهَا أَمَّاتٍ فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ ...

۱۲: فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ ...

۹: ... زمین را در دو هنگام آفرید...

۱۰: ... و مواد خوراکی آن را در چهار روز اندازه گیری کرد...

۱۲: پس آنها را [به صورت] هفت آسمان، در دو هنگام مقرر داشت... (ترجمه ی فولادوند)

۹: ... زمین را در دو روز بیافرید...

۱۰: ... و قوت و ارزاق اهل زمین را در چهار روز (برای هر شهر و دیاری) مقرر و معین فرمود...

۱۲: آن گاه نظم هفت آسمان را در دو روز استوار فرمود... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

۹: ... زمین را در دو روز آفریده است...

۱۰: ... و در چهار روز زاد و برگ آن را در آن آماده ساخت...

۱۲: آنگاه آنها را به صورت آسمانهای هفت گانه در دو روز استوار کرد... (ترجمه ی خرمشاهی)

در خصوص آیات فوق، نکات زیر قابل ذکر است:

- ۱- روی هم رفته (چه اندازه تکرار!)، آیات فوق (به جز ۹، ۱۰، ۱۲ فصلت) بیانگر خلقت گیتی توسط الله در شش روز است، بگذریم از اینکه در برخی ترجمه ها گفته شده است شش هنگام یا شش مرتبه ی وجودی که قابل قبول نیست، چرا که الله اگر منظور دیگری به جز روز داشت، می توانست مثلاً از واژه ی "آدوار" به جای "ایام" استفاده نماید. فراموش نشود که هر واژه ای معنی خاص خود را دارد و نمی توان بر اساس پیشرفتهایی در زمین شناسی و نجوم، مدعی شد که منظور قرآن از یک روز، مثلاً دو بیلیون و سیصد میلیون سال متداول است! اگر چنین منظوری در بین بود به نظر من برای خالق گیتی آوردن اندازه ی واقعی سن گیتی بلا مانع می نمود. به علاوه، چنین ترجمه و تفسیرهایی محصول پیشرفت های علمی در نجوم است و گر نه چرا شاهد چنین تفسیرهایی در مثلاً دویست سال پیش نیستیم! گرچه به دلیل "ابطالناپذیری"^۲ این ادعاهای قرآن، مدعیان ممکن است ادعا کنند که حقیقت این مطالب سالیان سال پس از گفتنش و با پیشرفت علم آشکار خواهد شد!

^۲ در این خصوص، رجوع کنید به دو کتاب "منطق اکتشافات علمی" و "حس ها و ابطال ها" نوشته ی کارل ریموند پوپر، مترجم هر دو کتاب، احمد آرام؛ و همچنین به زبان ساده تر به "علم چیست؟ فلسفه چیست؟" نوشته ی عبدالکریم سروش.

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

۲- این خلقت شش روزه، چیزی جز بیان مختصر و دوباره گویی در عهدعتیق، کتاب پیدایش، باب یکم، آیات ۵، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷ و ۳۱، نیست.

۳- در آیات ۹، ۱۰ و ۱۲ فصلت می بینیم که زمین در دو روز، زاد و برگ بر روی آن در چهار روز، و آسمان ها در دو روز خلق شده اند. حال با توجه به اینکه در سه آیه ی مجزا این خلقتها ذکر شده اند، پس نمی توان گفت که مثلاً دو روز مذکور در آیه ی ۹، بخش دو روزه از چهار روز آمده در آیه ی ۱۰ می باشد و جزو آن چهار روز محسوب می شود! بدین ترتیب، مجموع روزهای خلقت $2 + 4 + 2 = 8$ می باشد که در تضاد آشکار با خلقت شش روزه است.

همچنین جالب توجه است که خلقت زاد و برگ روی زمین که ظاهراً باید شامل انسانها نیز شود، به اندازه ی خلقت زمین و آسمان (با وجود بیلیون ها کهکشان) طول کشیده است!، در حالیکه خود قرآن معترف است که "بی گمان آفرینش آسمانها و زمین بزرگتر از آفرینش انسانها است (سوره ی غافر، آیه ی ۵۷)".

در سوره ی انبیاء، آیه ی ۳۰ آمده است: ... وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ...

... و هر چیزی زنده ای را از آب پدید آوردیم... (ترجمه ی فولادوند)

... و از آب هر چیزی زنده ای را آفریدیم... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... و هر موجود زنده ای را از آب آفریده ایم... (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی حجر، آیه ی ۲۶: وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ.

و در حقیقت، انسان را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو آفریدیم. (ترجمه ی فولادوند)

و همانا ما انسان را از گل و لای کهنه متغیر بیافریدیم. (ترجمه الهی قمشه ای)

و انسان [آدم] را از گل خشک بازمانده از لجنی بویناک آفریده ایم. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی حجر، آیه ی ۲۷: وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ.

و پیش از آن، جن را از آتشی سوزان و بی بود خلق کردیم. (ترجمه ی فولادوند)

و طایفه ی دیوان را پیشتر از آتش گدازنده، خلق کردیم. (ترجمه الهی قمشه ای)

و پیشتر جن [ابلیس] را از آتش باد آفریده بودیم. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی نحل، آیه ی ۴: خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ...

انسان را از نطفه ای آفریده است... (ترجمه ی فولادوند)

خدا انسان را از آب نطفه ای (بی قدر و ضعیف) بیافرید... (ترجمه الهی قمشه ای)

انسان را از نطفه ای [بی مقدار] آفریده است... (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی انبیاء، آیه ی ۳۷: خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ...

انسان از شتاب آفریده شده است... (ترجمه ی فولادوند)

آدمی در خلقت و طبیعت بسیار شتابکار است... (ترجمه الهی قمشه ای) (عجب ترجمه ای!)

انسان [گویی] از شتاب آفریده شده است... (ترجمه ی خرمشاهی)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

سوره ی حج، آیه ی ۵: فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ نُرَابٍ نَمٍّ مِنْ نُطْفَةٍ نَمٍّ مِنْ عَلَقَةٍ نَمٍّ مِنْ مُضْغَةٍ...

پس/بدانید/ که ما شما را از خاک آفریده ایم، سپس از نطفه، سپس از علقه، آنگاه از مضغه... (ترجمه ی فولادوند)

ما شما را نخست از خاک آفریدیم، آنگاه از آب نطفه، آنگاه از خون بسته، آنگاه از پاره ای گوشت... (ترجمه الهی قمشه ای)

بدانید که ما شما را از خاک، سپس از نطفه، سپس از خون بسته، سپس گوشت پاره... آفریده ایم... (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی مُرْسَلَات، آیه ی ۲۰: أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ

مگر شما را از آبی بی مقدار نیافریدیم؟ (ترجمه ی فولادوند)

آیا ما شما آرمیان را از آب نطفه بی قدر (بین زیبایی) نیافریدیم؟ (ترجمه الهی قمشه ای). (آیا در متن عربی ی آیه فوق "بدین زیبایی" می بینید؟!)

آیا شما را از آبی بی مقدار نیافریده ایم؟ (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی طارق، آیه ی ۶: خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ

از آب جهنده ای خلق شده. (ترجمه ی فولادوند)

دو مترجم دیگر (خرمشاهی و الهی قمشه ای) نیز تقریباً همین را آورده اند.

۴ - قرآن منشأ همه ی موجودات زنده را آب معرفی می کند (انبیاء ۳۰)؛ اما در آیات دیگر گفته ی خود را نقض کرده است: آفرینش جن را از آتش می داند (حجر ۲۷)؛ همچنین خلقت انسان را از گل خشک و بدبو (حجر ۲۶)، از شتاب (انبیاء ۳۷)، از خاک، سپس نطفه، سپس خون بسته، سپس پاره ای گوشت (حج ۵)، از آبی بی مقدار (مُرسَلات ۲۰) و از آبی جهنده (طارق ۶) می داند. دیده می شود که قرآن نیز همچون قداما بین عناصر چهارگانه ی سرمنشأ حیات، یعنی آب، خاک، آتش و باد (هوا)، که عنصر اخیر حتی در ترجمه ی خرمشاهی نیز به صورت ترکیبی "آتشباد" مذكور بود، سرگردان و در نوسان است. به هر روی مطلب جدیدی در منشأ حیات ذکر نکرده است که در معلومات پیشینیان نبوده باشد. نخستین فیلسوف شناخته شده ای که راجع به منشأ حیات اظهار نظر کرده است، تالس است که آن را آب می دانسته است.

۳- نجوم

سوره ی بقره، آیه ی ۱۱۵ (و ۱۴۲ بدون "و"): وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ...

مشرق و مغرب از آن خداست... (ترجمه ی فولادوند)

دو ترجمه ی دیگر (از خرمشاهی و الهی قمشه ای) نیز تقریباً همین هستند.

سوره ی مُزَّمِّل، آیه ی ۹: رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ...

اوست پروردگار خاور و باختر... (ترجمه ی فولادوند)

دو ترجمه ی دیگر (از خرمشاهی و الهی قمشه ای) نیز تقریباً همین اند.

سوره ی صافات، آیه ی ۵: ... وَرَبُّ الْمَشَارِقِ

... و پروردگار خاورها (ترجمه ی فولادوند)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

دو ترجمه ی دیگر (از خرمشاهی و الهی قمشه ای) نیز تقریباً همین می باشند که البته مثلاً خرمشاهی [و مغرب ها] را نیز آورده است!

سوره ی الرَّحْمَن، آیه ی ۱۷: رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ

پروردگار سو خاور و سو باختر (ترجمه ی فولادوند)

ترجمه ی الهی قمشه ای نیز تقریباً همین است. اما خرمشاهی ترجمه کرده: پروردگار مشرق ها و مغرب ها؛ که چندان دقیق نیست، چرا که در متن عربی، دو اسم به گونه ی تشبیه جمع بسته شده اند، گرچه در فارسی و مثلاً انگلیسی، تفاوتی بین جمع دو تا و بیش از دو تا هنگام جمع بستن اسم، وجود ندارد.

۱ - به سادگی می توان تعارض بین تعداد مشرقها و مغربها را دریافت؛ یعنی سرانجام نمی توان فهمید که تعداد آنها چندتااست؟!

سوره ی یس، آیه ی ۳۸: وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا...

خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه ی خود روان است... (ترجمه ی فولادوند)

و نیز خورشید تابان بر مدار معین خود دایم بی هیچ اختلاف به گردش است... (ترجمه ی الهی قمشه ای) (عجب ترجمه ای!) و خورشید با قرار و قاعده [ی معینش] جریان دارد... (ترجمه ی خرمشاهی)

۲ - علیرغم عدم رعایت امانتداری در بخش هایی از ترجمه های فوق، در یک موضوع متفق القولند و آن "حرکت خورشید" است که نادرستی آن بر کسی پوشیده نیست. در حقیقت، قرآن همان نظریه ی رایج بطلمیوسی که در قرن پانزدهم، کوپرنیک بطلانش را مطرح کرده بود و کیپلر و سپس نیوتن دقت ریاضیاتی به آن (ایده ی کوپرنیک) بخشیده بودند را آورده است. دانسته است که آریستارخوس ساموسی، ستاره شناس و ریاضیدان قرن سوم پیش از میلاد، نظریه ی خورشید مرکزی منظومه ی شمسی را مطرح نموده بود.

سوره ی ق، آیه ی ۷: وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا...

و زمین را گسترده ایم... (ترجمه ی فولادوند)

و زمین را نمی نگرند که آن را بگسترده ایم... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

"نمی نگرند" از کجا ظاهر شد؟!

و زمین را گسترانده ایم... (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی ذاریات، آیه ی ۴۸: وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا...

و زمین را گسترانیده ایم... (ترجمه ی فولادوند)

دو ترجمه ی دیگر (از خرمشاهی و الهی قمشه ای) نیز تقریباً همین می باشند.

سوره ی غاشیه، آیه ی ۲۰: وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ

و به زمین که چگونه گسترده شده است؟! (ترجمه ی فولادوند)

دو ترجمه ی دیگر (از خرمشاهی و الهی قمشه ای) نیز تقریباً همین هستند.

و به زمین که چگونه مسطح گشته؟! (ترجمه ی مکارم شیرازی)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

۳- اغلب مترجمین از گاهواژه ی "گسترانیدن" بهره گرفته اند که نادرست است، چرا که اگر گفته می شد "وَسَعْنَا" ، در اینصورت می شد ترجمه کرد "گسترانیدیم". در واقع، "مَدَدْنَا" یعنی "امتداد دادیم" ، "فَرَشْنَا" یعنی "فرش کردیم" و از همه واضح تر "سَطَّحْتَ" یعنی "مسطح شد". حال با بیان این موضوع، آشکار می گردد که قرآن زمین را مسطح فرض کرده است! جالب توجه است که مفتی سابق عربستان شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز (۱۹۱۰-۱۹۹۹) ، بدون مباحثات و ماله کشی و با کمال شجاعت (به دلیل ایمان کامل به قرآن)، حقیقت علمی بودن زمین را کتمان نموده و فتوا داده بود که هر کس کروی بودن زمین را تدریس نماید و بر آن اصرار ورزد، مهدور الدم است!

۴- اجبار در گمراهی و عدم هدایت گمراهان

سوره ی بقره، آیه ی ۷: خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

خداوند بر دل‌های آنان (کافران)، و بر شنوایی ایشان مهر نهاده؛ و بر دیدگانشان پرده ای است؛ و آنان را عذابی دردناک است. (ترجمه ی فولادوند)

خدا مهر نهاد بر دلها و گوشهای ایشان (کافران)، و بر چشمهای ایشان پرده افتاده، و ایشان را عذابی سخت خواهد بود. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

خداوند بر دلها و بر گوشهایشان (کافران)، مهر نهاده است و بر دیدگانشان پرده ای است و عذابی بزرگ [در پیش] دارند. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی بقره، آیه ی ۲۶: ... وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ

... ولی کسانی که به کفر گراییده اند می گویند: «خدا از این مثل چه قصد داشته است؟» [خدا] بسیاری را با آن گمراه، و بسیاری را با آن راهنمایی می کند؛ و [ولی] جز نافرمانان را با آن گمراه نمی کند. (ترجمه ی فولادوند)

... و اما آنهایی که کافرند می گویند: خدا را از این مثل چه مقصود است؟ گمراه می کند به آن مثل بسیاری را و هدایت می کند بسیاری را؛ و گمراه نمی کند به آن مگر فاسقان را. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... ولی کافران می گویند خداند از این مثل چه می خواهد؟ [بدین سان] بسیاری را بدان گمراه و بسیاری را راهنمایی می کند، ولی جز نافرمانان کسی را بدان بیراه نمی گرداند. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی بقره، آیه ی ۲۵۳: ... وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

... و اگر خدا می خواست با یکدیگر جنگ نمی کردند، ولی خداوند آنچه را می خواهد انجام می دهد. (ترجمه ی فولادوند)

... و اگر خدا می خواست با هم بر سر جنگ نبودند، ولیکن خدا هر چه مشیئتش قرار گیرد خواهد کرد. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... و اگر خدا می خواست کشمکش و کارزار نمی کردند، ولی خداوند هر آنچه اراده کند انجام می دهد. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی بقره، آیه ی ۲۶۴: ... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

... و خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند. (ترجمه ی فولادوند)

دو ترجمه ی دیگر (از خرمشاهی و الهی قمشه ای) نیز تقریباً همین اند.

سوره ی آل عمران، آیه ی ۸۶: ... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

... و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند. (ترجمه‌ی خرمشاهی)

دو ترجمه‌ی دیگر (از فولادوند و الهی قمشه‌ای) نیز تقریباً همین هستند.

سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۴۳: ... وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

... و هر که را خدا گمراه کند، هرگز راهی برای [نجات] او نخواهی یافت. (ترجمه‌ی فولادوند)

دو ترجمه‌ی دیگر (از خرمشاهی و الهی قمشه‌ای) نیز تقریباً همین اند.

سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۴۱: ... وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَظْهَرِ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و هر که را خدا بخواهد به فتنه درآفکند هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی‌آید اینانند که خدا نخواسته دل‌هایشان را پاک گرداند در دنیا برای آنان رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود. (ترجمه‌ی فولادوند)

و کسی که خداوند سرگشتگی‌اش را خواسته باشد، هرگز برای او در برابر خداوند کاری نمی‌توانی کرد، اینان کسانی هستند که خداوند نخواسته است دل‌هایشان را پاکیزه بدارد، در دنیا خواری و در آخرت عذابی بزرگ [در پیش] دارند. (ترجمه‌ی خرمشاهی)

و هر کس را خدا به آزمائش و رسوایی آفکند هرگز تو او را از (قهر) خدا نتوانی رهانیدی، آنها کسانی هستند که خدا نخواسته دل‌هایشان را پاک گرداند، و آنان را در دنیا نالت و خواری و در آخرت عذاب بزرگ مهیاست. (ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای)

سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۷: ... إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

... آری، خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند. (ترجمه‌ی فولادوند)

دو ترجمه‌ی دیگر (از خرمشاهی و الهی قمشه‌ای) نیز تقریباً همین می‌باشند.

سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۱۰۸: ... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

و [بدانید که] خداوند نافرمانان را هدایت نمی‌کند. (ترجمه‌ی خرمشاهی)

دو ترجمه‌ی دیگر (از فولادوند و الهی قمشه‌ای) نیز تقریباً همین هستند.

سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۲۵: ... وَمَهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا...

و برخی از آنان به تو گوش فرا می‌دهند، و [لی] ما بر دل‌هایشان پرده‌ها افکنده ایم تا آن را نفهمند، و در گوش‌هایشان سنگینی [قرار داده ایم].. (ترجمه‌ی فولادوند)

دو ترجمه‌ی دیگر (از خرمشاهی و الهی قمشه‌ای) نیز تقریباً همین طورند.

سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۳۹: ... مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأِ يَجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

... هر که را خدا بخواهد گمراهش می‌گذارد؛ و هر که را بخواهد بر راه راست قرارش می‌دهد. (ترجمه‌ی فولادوند)

... مشیت الهی هر کس را خواهد گمراه سازد و هر که را خواهد به راه راست هدایت کند. (ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای)

... خداوند هر کس را بخواهد بیراه می‌گذارد، و هر کس را بخواهد بر راه راست می‌دارد. (ترجمه‌ی خرمشاهی)

سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۱۰: ... وَتَقَلَّبُ أَعْيُنُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوْلَ مَرَّةٍ وَنَدَرُهُمْ فِي طُعْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

و دلها و دیدگانیشان را برمی گردانیم [در نتیجه به آیات ما ایمان نمی آورند] چنانکه نخستین بار به آن ایمان نیاوردند. و آنان را رها می کنیم تا در طغیانشان سرگردان بمانند. (ترجمه ی فولادوند)

و ما دل و دیده اینان را چنانکه اول بار ایمان نیاوردند، اکنون نیز از ایمان بگردانیم و آنها را به حال طغیان و سرکشی واگذاریم تا در ورطه ضلالت فرومانند. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

و دلها و دیدگانیشان را [از قبول آن] برمی گردانیم همچنانکه نخستین بار به آن ایمان نیاوردند و ایشان را در طغیانشان سرگشته رها می سازیم. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی انعام، آیه ی ۱۲۵: فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَقُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

پس کسی را که خدا بخواهد هدایت نماید، دلش را به پذیرش اسلام می گشاید؛ و هر که را بخواهد گمراه کند، دلش را سخت تنگ می گرداند؛ چنانکه گویی به زحمت در آسمان بالا می رود. این گونه خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی آورند قرار می دهد. (ترجمه ی فولادوند)

پس هر که را خدا هدایت او خواهد، قلبش را برای پذیرش اسلام باز و روشن می گرداند و هر که را خواهد گمراه نماید (به حال گمراهی واگذارد)، دل او را از پذیرش ایمان تنگ و سخت گرداند که گویی می خواهد از زمین بر فراز آسمان رود. این چنین خدا آنان را که به حق نمی گردند و پلید می گرداند. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

بدین سان هر کس که خداوند هدایتش را بخواهد دلش را به پذیرش اسلام می گشاید، و هر کس را که بخواهد در گمراهی واگذارد، دلش را تنگ و تاریک می گرداند، چنانکه گویی می خواهد به آسمان ببرد [و نمی تواند]، خداوند این چنین عذاب را بر کسانی که ایمان نمی آورند می گمارد. (ترجمه خرمشاهی)

سوره ی انعام، آیه ی ۱۴۴: ... إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

... بی گمان خداوند ستم پیشگان را هدایت نمی کند. (ترجمه ی خرمشاهی)

دو ترجمه ی دیگر (از فولادوند و الهی قمشه ای) نیز تقریباً همین اند.

سوره ی اعراف، آیه ی ۱۰۰: ... أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصْبَأْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

... اگر می خواستیم آنان را به [کیفر] گناهانشان می رساندیم و بر دلهایشان مهر می نهادیم تا دیگر نشنوند. (ترجمه ی فولادوند)

... اگر ما بخواهیم به کیفر گناهانشان می رسانیم و بر دلهایشان مهر می نهیم که دیگر (به گوش دل چیزی) نشنوند. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... اگر بخواهیم به کیفر گناهانشان گرفتارشان سازیم و بر دلهایشان مهر می نهیم، آنگاه [پندی] نمی شنوند. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی اعراف، آیه ی ۱۰۱: ... كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ

... این گونه خدا بر دلهای کافران مهر می نهد. (ترجمه ی فولادوند)

دو ترجمه ی دیگر (از خرمشاهی و الهی قمشه ای) نیز تقریباً همین هستند.

سوره ی اعراف، آیه ی ۱۷۸: مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضِلْ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

هر که را خدا هدایت کند، او راه یافته است؛ و کسانی را که گمراه نماید، آنان خود زیانکارانند. (ترجمه ی فولادوند)

هر که را خدا هدایت فرماید هم اوست که هدایت یافته، و آنها را که به گمراهی واگذارد هم آنان زیانکاران عالمند. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

کسی که خداوند هدایتش کند، ره یافته است، و کسانی که او بیراه گذاردشان، آنانند که زیانکارند. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی اعراف، آیه ی ۱۸۶: مَنْ يُضَلِّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

هر که را خداوند گمراه کند، برای او هیچ رهبری نیست، و آنان را در طغیانشان سرگردان وا می‌گذارد. (ترجمه ی فولادوند)

هر که را خدا گمراه خواست هیچ کس رهنمای او نباشد، و چنین گمراهان را خدا در طغیان و سرکشی خود به حیرت و ضلالت واگذارد. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

کسی که خداوند بیراه گذاردش، رهنمایی ندارد و آنان را در طغیانشان سرگشته وا می‌گذارد. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی توبه، آیه های ۲۴ و ۸۰: ... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

... و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند. (ترجمه ی فولادوند)

دو ترجمه ی دیگر (از خرمشاهی و الهی قمشه ای) نیز تقریباً همین می باشند.

سوره ی توبه، آیه های ۱۹ و ۱۰۹: ... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

... و خدا گروه بیدانگران را هدایت نمی‌کند. (ترجمه ی فولادوند)

دو ترجمه ی دیگر (از خرمشاهی و الهی قمشه ای) نیز تقریباً همین اند.

سوره ی توبه، آیه ی ۸۷: ... وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

... و بر دل‌هایشان مهر زده شده است، در نتیجه قورت درک ندارند. (ترجمه ی فولادوند)

... و دل‌های آنها نقش کفر و ظلمت گرفته و دیگر هیچ درک حقایق نکنند. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... و بر دل‌هایشان مهر [نفاق] نهاده شده است، از این روی در نمی یابند. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی توبه، آیه ی ۹۳: ... وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

... و خدا بر دل‌هایشان مهر نهاده، در نتیجه آنان نمی‌فهمند. (ترجمه ی فولادوند)

... و خدا بر دل آنها نقش کفر و ظلمت زده به طوری که هیچ درک نکنند. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... و خداوند بر دل‌هایشان مهر [نفاق] نهاده است، از این روی در نمی یابند. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی توبه، آیه ی ۱۲۷: ... صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بَأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ

... خدا دل‌هایشان را [از حق] برگرداند، زیرا آنان گروهی هستند که نمی‌فهمند. (ترجمه ی فولادوند)

... خدا دل‌هایشان را برگرداند، که مردمی بسیار بی‌شعور و نادانند. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... خداوند دل‌هایشان را بگرداند، چرا که قومی بی تمیزند. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی یونس، آیه ی ۱۱: ... فَتَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

... پس کسانی را که به دیدار ما امید ندارند، در طغیانشان رها می‌کنیم تا سرگردان بمانند. (ترجمه ی فولادوند)

... ولیکن ما آنان را که به لقای ما امیدوار نیستند به همان حال سرگردانی در کفر و طغیان رها می‌سازیم. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

... آری نامیواران به لقایمان را وا می‌گذاریم که بر طغیانشان سرگشته باشند. (ترجمه خرمشاهی)

سوره ی یونس، آیه ی ۷۴: ... كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ

... این گونه ما بر دل‌های تجاوزکاران مهر می‌نهمیم. (ترجمه ی فولادوند)

... این چنین ما هم بر دل‌های سرکشان مهر برنهمیم. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... بدین سان بر دل‌های تجاوزکاران مهر می‌نهمیم. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی یونس، آیه های ۹۹ و ۱۰۰: وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَن فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ* وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْمَلُونَ

و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان می‌آوردند. پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگروند؟* و هیچ کس را نرسد که جز به اذن خدا ایمان بیاورد، و [خدا] بر کسانی که نمی‌اندیشند، پلیدی را قرار می‌دهد. (ترجمه ی فولادوند)

و اگر خدای تو (در مشیت ازلی) می‌خواست اهل زمین همه یکسره ایمان می‌آوردند، آیا تو می‌خواهی تا به جبر و اکراه همه را مؤمن و خداپرست گردانی؟* و هیچ یک از نفوس بشر را تا خدا رخصت ندهد ایمان نیاورد و پلیدی (کفر و جهالت) را خدا برای مردم بی‌خرد که عقل را کار نبندند مقرر می‌دارد. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

و اگر پروردگارت [به اراده ی حتمی] می‌خواست، تمامی اهل زمین ایمان می‌آوردند، پس آیا تو مردم را به اکراه و می‌داری تا اینکه مؤمن شوند؟* و حال آنکه هیچ کس را نرسد که جز به اذن [و توفیق] الهی ایمان آورد، و پلیدی را بر کسانی که تعقل نمی‌کنند، مقرر می‌دارد. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی رعد، آیه ی ۲۷: ... إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن أُنَابَ

... بر حقیقت خداست که هر کس را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر کس را که [به سوی او] بازگردد، به سوی خود راه می‌نماید. (ترجمه ی فولادوند)

... خدا هر که را خواهد گمراه و هر که را که به درگاه او تضرع و انابه کند هدایت می‌کند. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... هر کس را که بخواهد بی‌راه و می‌گذارد، و هر کس را که رو به او آورده باشد، به سوی خویش به راه می‌برد. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی رعد، آیه ی ۳۱: ... أَقْلَمَ يَبْأَسَ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةً أَوْ تَحُلُّ قَرْيَبًا مِّنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ

... آیا کسانی که ایمان آورده‌اند، ندانسته‌اند که اگر خدا می‌خواست قطعاً تمام مردم را به راه می‌آورد؟ و کسانی که کافر شده‌اند پیوسته به [سزای] آنچه کرده‌اند مصیبت کوبنده‌ای به آنان می‌رسد یا نزدیک خانه‌هایشان فرود می‌آید، تا وعده خدا فرا رسد. آری، خدا وعده [خود را] خلاف نمی‌کند. (ترجمه فولادوند)

... آیا مؤمنان هنوز ندانسته‌اند که خدا اگر بخواهد همه مردم را (به الزام و جبر) هدایت می‌کند؟ و (این نه مصلحت است زیرا باید) کافران پیوسته از کردار زشتشان به کیفر و سرکوبی رسند یا مصیبتی نزدیک دیار آنها فرود آید تا آن‌گاه که (در محشر هم) وعده خدا (بر هلاک آنها) فرا رسد، که خدا خلاف وعده نخواهد کرد. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... آیا کسانی که ایمان آورده‌اند، نمی‌دانند که اگر خدا می‌خواست همه ی مردم را هدایت می‌کرد؟ و به کافران همواره به خاطر کار و کردارشان عقوبتی هایل می‌رسد، یا به زودی به خانه [شهر] آنان [فاتحانه] وارد شوی، تا آنکه وعده الهی فرا رسد، که خداوند خلف وعده نمی‌کند. (ترجمه خرمشاهی)

سوره ی رعد، آیه ی ۳۳: ... وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

- ... و هر که را خدا بی‌راه گذارد رهبری نخواهد داشت. (ترجمه فولادوند)
- ... و هر کس را خدا به گمراهی واگذارد دیگر هیچ کس وی را هدایت نتواند کرد. (ترجمه ی الهی قمشه ای)
- ... و هر کس که خدا بی‌راه گذاردش، برای او رهنمایی نیست. (ترجمه ی خرمشاهی)
- ... و هر کس را خدا گمراه کند راهنمایی نخواهد داشت. (ترجمه ی مکارم شیرازی)
- سوره ی ابراهیم، آیه ی ۴: ... فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ...
- ... پس خدا هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند... (ترجمه فولادوند)
- دو ترجمه ی دیگر (از الهی قمشه ای و خرمشاهی) نیز تقریباً همین گونه اند.
- ... پس خدا هر کس را بخواهد [به کیفر لجاجت و عنادش] گمراه می‌کند، و هر کس را بخواهد، هدایت می‌نماید... (ترجمه انصاریان)
- ... پس خدا هر که را بخواهد گمراه می‌کند و هر که را بخواهد هدایت می‌کند... (ترجمه آیتی)
- ... سپس خدا هر کس را بخواهد (و مستحق بناند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می‌کند... (ترجمه ی مکارم شیرازی)
- سوره ی ابراهیم، آیه ی ۲۷: ... وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ
- ... و ستمگران را بی‌راه می‌گذارد، و خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد. (ترجمه فولادوند)
- ... و خداوند ستمکاران را به حال گمراهی وا می‌گذارد و خدا هر چه بخواهد (به اختیار مطلق) می‌کند. (ترجمه ی الهی قمشه ای)
- ... و خداوند ستمکاران را بیراه می‌گذارد، و خداوند هر چه خواهد همان تواند کرد. (ترجمه ی خرمشاهی)
- ... و خدا ستمکاران [به آیاتش] را [به علت لجاجت و عنادشان] گمراه می‌کند، و خدا هر چه بخواهد [بر اساس حکمتش] انجام می‌دهد. (ترجمه انصاریان)
- ... و ظالمان را گمراه می‌سازد و هر چه خواهد همان می‌کند. (ترجمه آیتی)
- ... و ستمگران را گمراه می‌سازد، (و لطف خود را از آنها برمی‌گیرد)؛ خداوند هر کار را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می‌دهد! (ترجمه ی مکارم شیرازی)
- سوره ی نحل، آیه ی ۹: ... وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ
- ... و اگر [خدا] می‌خواست مسلماً همه شما را هدایت می‌کرد. (ترجمه فولادوند)
- ... و اگر خدا می‌خواست (بدون آزمایش بلکه به جبر) شما را همگی به راه هدایت (و جنت) می‌کشید (لیکن این خلاف مصلحت و نظام الهی است). (ترجمه ی الهی قمشه ای) (عجب ترجمه ای!)
- ... و اگر می‌خواست همگی شما را هدایت می‌کرد. (ترجمه ی خرمشاهی)
- سوره ی نحل، آیه ی ۳۷: ... فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ
- ... ولی خدا کسی را که فرو گذاشته است هدایت نمی‌کند، و برای ایشان یاری کننده‌گنی نیست. (ترجمه فولادوند)
- ... و لیکن (ببان که) خدا آنان را که (پس از اتمام حجت) گمراه کرده دیگر هدایت نکند و آنها را یابوری نخواهد بود. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

... [بدان] که خداوند کسی را که بیراه گذارد، به راه نمی آورد، و ایشان یابوری ندارند. (ترجمه ی خرمشاهی)

... خدا کسانی را که [به سبب تکبر و عنادشان] گمراه می کند، هدایت نخواهد کرد، و برای آنان هیچ یابوری [که از گمراهی نجاتشان دهد] وجود ندارد. (ترجمه انصاریان)

... خدا آن را که گمراه کرده است، هدایت نمی کند و این گمراهان را هیچ یاری دهنده ای نیست. (ترجمه آیتی)

... خداوند کسی را که گمراه ساخت، هدایت نمی کند؛ و آنها یاورانی نخواهند داشت! (ترجمه ی مکارم شیرازی)

سوره ی نحل، آیه ی ۹۳: ... وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَنَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

... ولی هر که را بخواهد بیراه و هر که را بخواهد هدایت می کند و از آنچه انجام می دادید حتماً سؤال خواهید شد. (ترجمه فولادوند)

... و لیکن (این اختلافات برای امتحان است و پس از امتحان) هر که را بخواهد به گمراهی وا می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند، و البته آنچه می کرده اید از همه سؤال خواهید شد. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... ولی هر که را بخواهد بیراه می گذارد، و هر که را بخواهد به راه می آورد، و از چون و چند آنچه می کردید، از شما خواهند پرسید. (ترجمه خرمشاهی)

... ولی هر کس را بخواهد [به کیفر لجابت و تکبرش] گمراه می کند و هر کس را بخواهد هدایت می نماید؛ و مسلماً از آنچه همواره انجام می دادید، باز پرس می خواهید. (ترجمه انصاریان)

... ولی هر که را بخواهد گمراه می سازد و هر که را بخواهد هدایت می کند و از هر کاری که می کنید بازخواست می شوید. (ترجمه آیتی)

... ولی خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و لایق بداند) هدایت می کند! (به گروهی توفیق هدایت داده، و از گروهی سلب می کند!) و یقیناً شما از آنچه انجام می دادید، باز پرس می خواهید! (ترجمه ی مکارم شیرازی)

سوره ی نحل، آیه ی ۱۰۷: ... وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

... و [هم] اینکه خدا گروه کافران را هدایت نمی کند. (ترجمه فولادوند)

سایر ترجمه ها نیز تقریباً همین گونه هستند.

سوره ی نحل، آیه ی ۱۰۸: أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ

آنان کسانی اند که خدا بر لها و گوش و دیدگانشان مهر نهاده و آنان خود غافلاند. (ترجمه فولادوند)

سایر ترجمه ها نیز کم و بیش همین اند.

سوره ی اسراء، آیه ی ۱۶: وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُنْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا

و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم، خوشگنرانانش را و می داریم تا در آن به انحراف [و فساد] بپردازند، و در نتیجه عذاب بر آن [شهر] لازم گردد، پس آن را [بکسر] زیر و زیر کنیم. (ترجمه فولادوند)

و ما چون اهل دیاری را بخواهیم به کیفر گناه هلاک سازیم پیشوایان و متنعمان آن شهر را امر کنیم (به طاعت، لیکن) آنها راه فسق (و تبهکاری و ظلم) در آن دیار پیش گیرند (و مردم هم به راه آنها روند) پس آنجا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت، آن گاه همه را هلاک می سازیم. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

و چون خواهیم شهری را نابود کنیم، نازپروردگان آن را فرمان [و میدان] می دهیم، و سرانجام در آن نافرمانی کنند و سزاوار حکم [عذاب] شوند، آنگاه به کلی نابودشان کنیم. (ترجمه ی خرمشاهی)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

چون بخواهیم قریه‌ای را هلاک کنیم، خداوندان نعمتش را ببفزاییم، تا در آنجا تبهکاری کنند، آنگاه عذاب بر آنها واجب گردد و آن را در هم فرو کوبیم. (ترجمه آیتی)

سوره ی اسراء، آیه ی ۴۶: وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا...

و بر دل‌هایشان پوششها می‌نهدیم تا آن را نفهمند و در گوش‌هایشان سنگینی [قرار می‌دهیم]... (ترجمه فولادوند)

و ما بر دل‌های تیره آن کافران پرده‌ای افکندیم که قرآن را فهم نکنند و در گوش‌هایشان هم سنگینی نهادیم... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

و بر دل‌های ایشان پرده‌هایی کشیده ایم که آن [پیام] را در نیابند، و در گوش‌هایشان سنگینی ای [نهاده ایم]... (ترجمه خرمشاهی)

سوره ی اسراء، آیه ی ۹۷: وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمُقًا وَصُمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا

و هر که را خدا هدایت کند او ره‌یافته است، و هر که را گمراه سازد، در برابر او برای آنان هرگز دوستانی نیایی، و روز قیامت آنها را کور و لال و کر، به روی چهره‌شان در افتاده، بر خواهیم انگیزت: جایگاهشان دوزخ است. هر بار که آتش آن فرو نشیند، شراره‌ای [تازه] برایشان می‌افزاییم. (ترجمه فولادوند)

و هر که را خدا راهنمایی کند آن کس به حقیقت هدایت یافته و هر که را به گمراهی واگذارد دیگر جز خدا هیچ (ره‌نما و) دوست و نگهبانی بر آنها نخواهی یافت و چون روز قیامت شود بر روی صورت (بکشانیم و) کور و گنگ و کر محسورشان خواهیم کرد؛ به دوزخ مسکن کنند که هر که آن دوزخ آتشش خاموش شود باز شدیدتر بر آنها سوزان و فروزان‌ش کنیم. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

و هر که را خدا هدایت کند، پس او هدایت یافته است، و آنان را که خدا [به کیفر لج بازی و عنادشان] گمراه سازد، هرگز در برابر خدا برای آنان یاورانی نخواهی یافت، و آنان را روز قیامت در حالی که به رو در افتاده اند، کور و لال و کر محسورشان می‌کنیم، جایگاهشان دوزخ است، هر گاه [شعله] آتشش فرو نشیند، شعله‌ای دیگر بر آنان می‌افزاییم. (ترجمه انصاریان)

و هر که را خدا هدایت کند، هدایت شده است. و هر که را گمراه سازد جز خدای برای او سرپرستی نیایی و در روز قیامت در حالی که چهره‌هایشان رو به زمین است، کور و لال و کر محسورشان می‌کنیم و جهنم جایگاه آنهاست که هر چه شعله آن فرو نشیند بیشترش می‌افروزیم. (ترجمه ی آیتی)

هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست؛ و هر کس را (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، هادیان و سرپرستانی غیر خدا برای او نخواهی یافت؛ و روز قیامت، آنها را بر صورت‌هایشان محسورش می‌کنیم، در حالی که نابینا و گنگ و کرند؛ جایگاهشان دوزخ است؛ هر زمان آتش آن فرو نشیند، شعله تازه‌ای بر آنان می‌افزاییم! (ترجمه ی مکارم شیرازی)

سوره ی كهف، آیه ی ۱۷: ... مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا

... خدا هر که را راهنمایی کند او راه‌یافته است، و هر که را بی‌راه گذارد، هرگز برای او یاری راهبر نخواهی یافت. (ترجمه ی فولادوند)

... هر کس را خدا راهنمایی کند او به حقیقت هدایت یافته و هر که را در گمراهی واگذارد دیگر هرگز برای چنین کس هیچ یار راهنمایی نخواهی یافت. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... هر کس که خداوند هدایش کند ره‌یافته است و هر کس که او بیراه واگذارد، هرگز برایش سرور و راهنمایی نمی‌یابی. (ترجمه ی خرمشاهی)

... خدا هر که را هدایت کند، راه یافته است و هر که را گمراه نماید، هرگز برای او یاور و دوست هدایت کننده‌ای نخواهی یافت. (ترجمه ی انصاریان)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

... هر که را خدا هدایت کند هدایت یافته است و هر که را گمراه سازد هرگز کارسازی راهنما برای او نخواهی یافت. (ترجمه ی آیتی)

... هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست؛ و هر کس را گمراه نماید، هرگز ولی و راهنمایی برای او نخواهی یافت! (ترجمه مکارم شیرازی)

سوره ی کهف، آیه ۵۷: ... إِنْ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا

... ما بر دل‌های آنان پوششهایی قرار دادیم تا آن را در نیابند و در گوش‌هایشان سنگینی [نهادیم]. و اگر آنها را به سوی هدایت فراخوانی باز هرگز به راه نخواهند آمد. (ترجمه ی فولادوند)

... ما (پس از اتمام حجت) بر دل‌هایشان پرده‌ها (ی جهل و قسوت) انداختیم تا دیگر آیات ما را فهم نکنند، و گوش آنها را (از شنیدن سخن حق) سنگین ساختیم و اگر به هدایتشان بخوانی دیگر ابدا هدایت نخواهند یافت. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... و بر دل‌هایشان پرده‌هایی کشیده ایم که آن [پیام] را در نیابند، و در گوش‌های آنان سنگینی ای [نهادیم] و اگر ایشان را به سوی هدایت فراخوانی، هرگز و به هیچ وجه راه نیابند. (ترجمه خرمشاهی)

... به راستی ما بر دل‌های آنان پوشش‌هایی قرار داده ایم تا قرآن را نفهمند، و در گوش‌هایشان سنگینی نهادیم [تا آن را نشنوند]؛ و اگر آنان را به راه هدایت فراخوانی، هرگز و هیچ گاه هدایت نیابند. (ترجمه انصاریان)

... بر دل‌هایشان پرده افکندیم تا آیات را در نیابند و گوش‌هایشان را کر ساختیم که اگر به راه هدایتشان فراخوانی، هرگز راه نیابند. (ترجمه ی آیتی)

... ما بر دل‌های اینها پرده‌هایی افکنده ایم تا نفهمند؛ و در گوش‌هایشان سنگینی قرار داده ایم (تا صدای حق را نشنوند)! و از این رو اگر آنها را به سوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نمی‌شوند! (ترجمه مکارم شیرازی)

سوره ی مریم، آیه ۸۳: أَلَمْ نَرَأَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تُوْزُهُمْ أَرْأَ

آیا ندانستی که ما شیطانها را بر کافران گماشته‌ایم، تا آنان را [به گناهان] تحریک کنند؟ (ترجمه ی فولادوند)

آیا ندیدی که ما شیاطین را بر سر کافران فرستادیم تا سخت آنها را تحریک کنند (و به وهم و خیالات باطل دنیا آنان را به گناه اندازند و از سعادت ابد محرومشان سازند). (ترجمه ی الهی قمشه ای)

آیا ندانسته ای که ما شیاطین را به سراغ کافران می فرستیم، که از راه به درشان بوند. (ترجمه ی خرمشاهی)

آیا ندانسته ای که ما شیطان‌ها را بر کافران فرستادیم تا آنان را به شدت به سوی گناهان و شهوات برانگیزند. (ترجمه انصاریان)

آیا ندیده‌ای که ما شیاطین را به سوی کافران فرستادیم تا آنها را برانگیزند؟ (ترجمه ی آیتی)

آیا ندیدی که ما شیاطین را بسوی کافران فرستادیم تا آنان را شدیداً تحریک کنند؟! (ترجمه مکارم شیرازی)

سوره ی حج، آیه ۱۸: ... وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

... و هر که را خدا خوار کند او را گرامی دارنده ای نیست چرا که خدا هر چه بخواهد انجام می دهد. (ترجمه ی فولادوند)

... و هر که را خدا خوار و ذلیل گرداند دیگر کسی او را عزیز و گرامی نتواند کرد که البته خدا هر چه مشیت کامله اش تعلق گیرد خواهد کرد. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... و هر کس که خداوند خوارش بدارد، گرامی دارنده‌ای ندارد، که خداوند هر چه خواهد همان تواند کرد. (ترجمه ی خرمشاهی)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

... و هر کسی را خدا خوار کند کسی او را گرامی نخواهد داشت، خداوند هر کار را بخواد (و صلاح بداند) انجام می‌دهد. (ترجمه مکارم شیرازی)

سوره ی شعرا، آیه های ۲۰۰ و ۲۰۱: كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ* لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ
این گونه در دل‌های گناهکاران [انکار را] راه می‌دهیم* که به آن نگرند تا عذاب پرورد را ببینند. (ترجمه ی فولادوند)
بدین‌سان آن را در دل‌های گناهکاران راه دانایم* که به آن ایمان نمی‌آورند مگر آنکه عذاب دردناک را بنگرند. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی قصص، آیه ی ۵۰: ... وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَعِيرٌ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
... و کیست گمراه تر از آنکه بی راهنمایی خدا از هوش پیروی کند بی تردید خدا مردم ستمگر را راهنمایی نمی‌کند. (ترجمه ی فولادوند)

... و کیست (ستمگر و) گمراه‌تر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟ البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... و کیست گمراه‌تر از کسی که بدون رهنمود الهی از هوای نفس خویش پیروی کند، بی‌گمان خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی روم، آیه ی ۲۹: ... فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

... پس آن کس را که خدا گمراه کرده چه کسی هدایت می‌کند و برای آنان یاورانی نخواهد بود. (ترجمه ی فولادوند)

... پس آن را که خدا (پس از اتمام حجت) به گمراهی واگذارد که می‌تواند هدایت کند؟ و آن گمراهان ستمکار را (در قیامت) هیچ یار و یآوری نخواهد بود. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... و کیست که کسی را که خداوند در بیراهی وانهاده است، به راه آورد، و اینان یآوری ندارند. (ترجمه ی خرمشاهی)

... و چه کسی می‌تواند آنها را که خدا گمراه کرده است هدایت کند؟ و برای آنها هیچ یار و یآوری نخواهد بود! (ترجمه مکارم شیرازی)

سوره ی روم، آیه ی ۵۹: كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

این گونه خدا بر دل‌های کسانی که نمی‌دانند مهر می‌نهد. (ترجمه ی فولادوند)

بدین‌سان خداوند بر دل‌های کسانی که [حق را] در نمی‌یابند مهر می‌زند. (ترجمه خرمشاهی)

این چنین خدا بر دل‌های اهل جهل (پس از اتمام حجت) مهر (شقاوت) نهد (که هیچ سخن حق را نپذیرند). (ترجمه ی الهی قمشه ای)

این‌گونه خداوند بر دل‌های کسانی که آگاهی ندارند مهر می‌نهد! (ترجمه مکارم شیرازی)

سوره ی فاطر، آیه ی ۸: ... فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ...

... خداوند هر کس را بخواد گمراه سازد، و هر کس را بخواد هدایت میکند... (ترجمه مکارم شیرازی)

... همانا خدا هر که را بخواد [به کثیر تکبیرش در برابر حق] گمراه می‌کند و هر که را بخواد هدایت می‌نماید... (ترجمه انصاریان)

... پس خدا هر که را خواهد به گمراهی واگذارد و هر که را خواهد هدایت فرماید... (ترجمه الهی قمشه ای)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

... خداست که هر که را بخواهد بی راه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند... (ترجمه فولادوند)

... بی گمان خداوند هر کس را که خواهد بیراه دارد، و هر کس را که خواهد هدایت کند... (ترجمه خرماشاهی)

سوره ی زمر، آیه های ۲۳ و ۳۶ و سوره ی غافر، آیه ی ۳۳: ... وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ... و هر کس را خداوند گمراه سازد راهنمایی برای او نخواهد بود! (ترجمه مکارم شیرازی)

... و هر کس را خدا به گمراهی و انذار دیگر هیچ هدایت کننده ای نخواهد داشت. (ترجمه الهی قمشه ای)

سوره ی شوری، آیه ی ۴۴: وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ... کسی را که خدا گمراه کند ولی و یاور ی بعد از او نخواهد داشت... (ترجمه مکارم شیرازی)

و هر که را خدا [به کیفر کبر و عنادش] گمراه کند، او را پس از خدا هیچ سرپرست و یاور ی نخواهد بود... (ترجمه ی انصاریان)

سوره ی شوری، آیه ی ۴۶: ... وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ... و هر کس را خدا گمراه سازد راه نجاتی برای او نیست. (ترجمه مکارم شیرازی)

... و هر که را خدا گمراه کند، او را هیچ راهی [به سوی نجات و سعادت] نیست. (ترجمه ی انصاریان)

سوره ی جاثیه، آیه ی ۲۳: ... وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ... و خدا او را از روی علم و آگاهی خود [بر اینکه شایسته هدایت نیست] گمراه کرد، و بر گوش و دلش مهر [تیره بختی] نهاد، و بر چشم [دلش] پرده ای قرار داده است، پس چه کسی است که بعد از خدا او را هدایت کند؟... (ترجمه ی انصاریان)

... و خداوند او را با آگاهی (بر اینکه شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته، و بر گوش و قلبش مهر زده، و بر چشمش پرده ای افکنده، با اینحال چه کسی می تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟... (ترجمه مکارم شیرازی)

... و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد... (ترجمه ی فولادوند)

سوره ی محمد، آیه ی ۲۳: أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ اینان همان کسانی که خدا آنان را لعنت نموده و [گوش دل] ایشان را ناشنوا و چشمهایشان را نابینا کرده است. (ترجمه ی فولادوند)

اینان کسانی هستند که خداوند لعنتشان کرده و [از شنیدن و دیدن حق] ناشنوا و نابینا شان ساخته است. (ترجمه ی خرماشاهی)

سوره ی جمعه، آیه ی ۵: ... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ... و خداوند قوم ستمکار [مشرك] را هدایت نمی کند. (ترجمه ی خرماشاهی)

... و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد. (ترجمه الهی قمشه ای)

سوره ی منافقون، آیه ی ۳: ... فَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَمَنْ لَا يَقْفَهُونَ ... لذا بر دل های آنها مهر نهاده شده، و حقیقت را درک نمی کنند. (ترجمه مکارم شیرازی)

... و در نتیجه بر دل هایشان مهر زده شده و [دیگر] نمی فهمند. (ترجمه ی فولادوند)

... پس مهر (قهر و ظلمت) بر دل هایشان نهاده شد تا هیچ (از حقایق ایمان) درک نکنند. (ترجمه الهی قمشه ای)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

سوره ی منافقون، آیه ی ۶: ... إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

... همانا قوم نابکار فاسق را خدا هیچ وقت (به راه سعادت) هدایت نخواهد کرد. (ترجمه الهی قمشه ای)

... بی‌گمان خداوند نافرمانان را هدایت نمی‌کند. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی مدثر، آیه ی ۳۱: ... كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ...

... (آری) اینگونه خداوند هر کس را بخواد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواد هدایت می‌کند... (ترجمه مکارم شیرازی)

... این گونه خدا هر که را بخواد [پس از بیان حقیقت] گمراه می‌کند و هر که را بخواد هدایت می‌نماید... (ترجمه ی انصاریان)

۱- همان گونه که ملاحظه می‌گردد، در حدود شصت آیه (باور نکردنی است!)، الله بر گمراه کردن انسان‌ها تأکید و اصرار دارد. در آیه‌هایی بیان می‌دارد که هر کس را بخواد گمراه می‌کند و بر دلها، چشمها و گوشهای عده‌ای پرده قرار می‌دهد به طوری که حقایق را نبینند و ایمان نیاورند. در برخی دیگر، مشخصاً به ظالمین، کافرین و فاسقین اشاره دارد. همچنین، بر این نیز تأکید دارد که پس از گمراه کردنشان، بی‌راهبر و بی‌راهنما می‌مانند و البته عذاب نیز (توسط خودش) در انتظارشان خواهد بود! باید گفت: عجب عدالتی!

۲- با اینکه الله نقش گمراه کردن انسان‌ها را به شیطان واگذار کرده است (سوره ی مریم، آیه ی ۸۳)، اما خود به کمک شیطان می‌رود و در نقش او ظاهر می‌گردد!

۳- باید دید که منظور الله از ظالمین کیست؟ تصور نرود که منظور کسانی هستند که حق "انسانی یا انسانهایی" را پایمال کرده‌اند؛ بلکه اگر حق "الله" که همان ابراز بندگی و عبودیت و مؤمن بودن به وی می‌باشد را به جای نیاورند و بر وی دروغ ببندند، یا منکرش گردند، مصداق ظالمین خواهند بود:

سوره ی آل عمران، آیه ی ۹۴: فَمَنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

پس کسانی که بعد از این بر خدا دروغ بندند آنان خود ستمکارانند. (ترجمه ی فولادوند)

سوره ی توبه، آیه ی ۲۳: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِن اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَوَلَّاهُمْ مِمَّا كَفَرُوا هُمْ الظَّالِمُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر پدرانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند [آنان را] به دوستی مگیرید و هر کس از میان شما آنان را به دوستی گیرد آنان همان ستمکارانند. (ترجمه ی فولادوند)

سوره ی هود، آیه ی ۱۸: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَّبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ آلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

و چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بندد آنان بر پروردگارشان دروغ عرضه می‌شوند و گواهان خواهند گفت اینان بودند که بر پروردگارشان دروغ بستند هان لعنت خدا بر ستمگران باد. (ترجمه فولادوند)

۴- در اینجا بد نیست که خاطر نشان کنم که از نظر الله همه ی گناهان بخشودنی هستند به جز شریک گرفتن برای الله و کفر ورزیدن به وی!:

سوره ی نساء، آیه ی ۴۸: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا

مسلماً خدا این را که به او شرک ورزیده شود نمی‌بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواد می‌بخشاید و هر کس به خدا شرک ورزد به یقین گناهی بزرگ بر یافته است. (ترجمه فولادوند)

سوره ی نساء، آیه ی ۱۱۶: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

خداوند این را که به او شرک آورده شود نمی‌آمرزد و فروتر از آن را بر هر که بخواد می‌بخشاید و هر کس به خدا شرک ورزد قطعاً دچار گمراهی دور و درازی شده است. (ترجمه فولادوند)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

سوره ی انفال، آیه ی ۵۵: *إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ*
بی تردید بدترین جنبنندگان پیش خدا کسانی اند که کفر ورزیدند و ایمان نمی آورند. (ترجمه فولادوند)
بنابراین، مثلاً آدم کشی، مال مردم خوری و دروغگویی بخشودنی اند، اما شریک گرفتن برای الله غیر قابل
بخشش است! البته بد نیست که به این آیه نیز بدون شرح نظری افکنده شود:
سوره ی فتح، آیه ی ۱۴: ... *يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا*
هر که را بخواهد می بخشاید و هر که را بخواهد عذاب می کند و خدا همواره آمرزنده مهربان است. (ترجمه فولادوند)
[!]

۵- الله به خاطر گمراه کردن انسان ها و سپس عذابشان، شرمسار نیست؛ اما برای هدایت آنها بر سرشان منت می
نهد. همچنین به دلیل نسبت دادن فرزند به وی، چیزی نمانده بود که زمین چاک بخورد. چه الله عصبانی و کم
طاقتی!

سوره ی مریم، آیه های ۸۸، ۸۹، ۹۰ و ۹۱: *وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا * لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا * تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَّقَطِرْنَ
مِنهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا * أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا*

و گفتند [خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده است * واقعا چیز زشتی را [بر زبان] آوردید * چیزی نمانده است که آسمانها
از این [سخن] بشکافتند و زمین چاک خورد و کوهها به شدت فرو ریزند * از اینکه برای [خدای] رحمان فرزندی قابل
شدند. (ترجمه فولادوند)

سوره ی حجر، آیه ی ۱۷: ... *بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَذَا كُمُ لِلإِيمَانِ...*
... بلکه [این] خداست که با هدایت کردن شما به ایمان بر شما منت می گذارد... (ترجمه فولادوند).

۵- تحریض به قتل و خشونت

سوره ی بقره، آیه ی ۲۱۶: *كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا
وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ*

بر شما کارزار واجب شده است در حالی که برای شما ناگوار است و بسا چیزی را خوش نمی دارید و آن برای شما خوب است و
بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است و خدا می داند و شما نمی دانید. (ترجمه ی فولادوند)

بر شما جهاد مقرر شده است، و آن برای شما ناخوشایند است، و چه بسا چیزی را ناخوش داشته باشید و آن به سود شما باشد، و
چه بسا چیزی را خوش داشته باشید و آن به زیان شما باشد، و خداوند می داند و شما نمی دانید. (ترجمه ی خرمشاهی)

جهاد در راه خدا، بر شما مقرر شده، در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر
شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است. و خدا می داند، و شما نمی دانید. (ترجمه ی
مکارم شیرازی)

سوره ی نساء، آیه ی ۸۹: *وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكْفُرُونَ سَوَاءٌ قَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ
تَوَلَّوْا فَحُذُّهُمْ وَأَقْلَابُهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَلَا نَصِيرًا*

همان گونه که خودشان کافر شده اند آرزو دارند [که شما نیز] کافر شوید تا با هم برابر باشید پس زنده از میان ایشان برای خود
دوستانی اختیار نکنید تا آنکه در راه خدا هجرت کنند پس اگر روی برتافتند هر کجا آنان را یاقید به اسارت بگیرید و بکشیدشان و
از ایشان یار و یاورى برای خود مگیرید. (ترجمه ی فولادوند)

[انان] خوش دارند که شما نیز مانند ایشان کفر بورزید و در نتیجه همانند باشید، پس هیچکس از آنان را دوست نگیرید، مگر آنکه
[همانند شما] در راه خدا هجرت کنند، و اگر رویگردان شدند، ایشان را هر جا که یاقید به اسارت بگیرید و بکشید و از آنان [برای
خود] یار و یاور نگیرید. (ترجمه ی خرمشاهی)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

(کافران) آرزو کنند که شما (مسلمین) هم به مانند آنها کافر شوید تا همه برابر (در کفر) باشید. پس از آنان تا در راه خدا هجرت نکنند دوست نگیرید، و اگر مخالفت کردند آنها را در هر کجا یافتید به قتل رسانید و از آنها بپور و دوستی نباید اختیار کنید. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی مانده، آیه ی ۳۳: **إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جَزَاءُ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ**

سزای کسانی که با [دوستاناران] خدا و پیامبر او می جنگند و در زمین به فساد می کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت. (ترجمه ی فولادوند)

همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آن ها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف یکدیگر بپزند و یا به نفی و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معتب خواهند بود. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

کیفر آنان که با خدا و پیامبرش می جنگند، و در زمین به فساد و تباهی می کوشند، فقط این است که کشته شوند، یا به دارشان آویزند، یا دست راست و پای چپشان بریده شود، یا از وطن خود تبعیدشان کنند. این برای آنان رسوایی و خواری در دنیاست، و برای آنان در آخرت عذابی بزرگ است. (ترجمه ی انصاریان)

سوره ی مانده، آیه ی ۳۸: **وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ**

و مرد و زن زرد را به سزای آنچه کرده اند دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرید و خدوند توانا و حکیم است. (ترجمه ی فولادوند)

دستان مرد و زن زرد را به کیفر کاری که کرده اند ببرید که عقوبتی الهی است و خداوند پیروزمند فرزانه است. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی مانده، آیه ی ۴۵: **وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأَذْنَ بِالْأَذْنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ**

و در [تورات] بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان می باشد و زخمها [نیز به همان ترتیب] قصاصی دارند و هر که از آن [قصاص] برگردد پس آن کفار [گناهان] او خواهد بود و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده دوری نکرده اند آنان خود ستمگراند. (ترجمه فولادوند)

و در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنید و چشم را مقابل چشم و بینی را به بینی و گوش را به گوش و دندان را به دندان، و هر زخمی را قصاص خواهد بود. پس هر گاه کسی حق قصاص را ببخشد (نیکی کرده و) کفار (گناه) او خواهد شد، و هر کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از ستمکاران خواهد بود. (ترجمه الهی قمشه ای)

و بر آنها (بنی اسرائیل) در آن (تورات) مقرر داشتیم که جان در مقابل جان و چشم در مقابل چشم و بینی در برابر بینی و گوش در مقابل گوش و دندان در برابر دندان، می باشد، و هر زخمی قصاص دارد و اگر کسی آن را ببخشد (و از قصاص صرف نظر کند) کفار (گناهان) او محسوب می شود، و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند ستمگر است. (ترجمه ی مکارم شیرازی)

سوره ی توبه، آیه ی ۵: **فَإِذَا انْسَلَخَ الْأُنثَرُ الْحَرَمَ فَاقتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخَذُوا حُمْرَهُمْ وَأَخْضَرُوهُمْ وَأَقْعَدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ...**

هنگامی که ماههای حرام پایان گرفت مشرکان را هر کجا بیابید به قتل برسانید و آنها را اسیر سازید و محاصره کنید و در هر کمینگاه بر سر راه آنها بنشینید... (ترجمه ی مکارم شیرازی)

پس چون ماههای حرام (ذیقعه، ذیحجه، محرم و رجب که مدت امان است) درگذشت آن گاه مشرکان را هر جا بیابید به قتل برسانید و آنها را دستگیر و محاصره کنید و هر سو در کمین آنها باشید... (ترجمه الهی قمشه ای)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

و چون ماههای حرام به سر آمد، آنگاه مشرکان را هر جا که یافتید بکشید و به اسارت بگیرید ایشان و محاصره‌شان کنید و همه جا در کمینشان بنشینید... (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی نور، آیه ی ۲: الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْسَ لَهُمَا عَذَابٌ طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید در [کار] دین خدا نسبت به آن دو دلسوزی نکنید و باید گروهی از مؤمنان در کفیر آن دو حضور یابند. (ترجمه فولادوند)

زن و مرد زناکار [بکر] را به هر يك از آنان یکصد تازیانه بزنید، و اگر به خداوند و روز بازپسین ایمان دارید، در دین الهی، در حق آنان دچار ترحم نشوید، و گروهی از مؤمنان، در صحنه عذاب کشیدن آنان حاضر باشند. (ترجمه ی خرمشاهی)

باید هر یک از زنان و مردان زنا کار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید و هرگز درباره آنان در دین خدا رأفت و ترحم روا مدارید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، و باید عذاب آن بدکاران را جمعی از مؤمنان مشاهده کنند. (ترجمه الهی قمشه ای)

سوره ی محمد، آیه ی ۴: فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْنَتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ...

پس چون با کسانی که کفر ورزیده اند برخورد کنید گرنه [ایشان] را بزنید تا چون آنان را [در کشتار] از پای در آورید پس [اسیران را] استوار در بند کشید سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیة [و عوض از ایشان بگیرید] تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود این است [دستور خدا] و اگر خدا می خواست از ایشان انتقام می کشید... (ترجمه فولادوند)

شما مؤمنان چون (در میدان جنگ) با کافران رو به رو شوید باید (شجاعانه) آنها را گردن زنید تا آن گاه که از خونریزی بسیار دشمن را از پا در آورید پس از آن، اسیران جنگ را محکم به بند کشید که بعدا یا بر آنها منت نهید (و آنها را آزاد گردانید) یا فدا گیرید تا در نتیجه جنگ سختیهای خود را فروگذارد. این حکم فعلی است، و اگر خدا بخواهد خود از کافران انتقام می کشد (و همه را بی زحمت جنگ شما هلاک می کند)... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

هنگامی که با کافران در میدان جنگ رو به رو می شوید گردنهایشان را بزنید، و همچنان ادامه دهید تا به اندازه کافی دشمن را در هم بکوبید، در این هنگام اسیران را محکم ببندید، سپس یا بر آنها منت گذارید (و آزادشان کنید) یا در برابر آزادی از آنها فدیة بگیرید، و این وضع همچنان ادامه یابد تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد، برنامه این است، و هر گاه خدا می خواست خودش آنها را مجازات می کرد... (ترجمه ی مکارم شیرازی)

پس هنگامی که [در میدان جنگ] با کافران روبرو شدید، گردن هایشان را به شدت بزنید تا آن گاه که بسیاری از آنان را با سختی و غلظت از پای در آورید، در این هنگام [از دشمن اسیر بگیرید و] آنان را محکم ببندید، [پس از اسیر گرفتن] یا بر آنان منت نهید [و آزادشان کنید]، یا از آنان [در برابر آزاد کردنشان] فدیة و عوض بگیرید تا آنجا که جنگ بارهای سنگینش را بر زمین نهد. این است [فرمان خدا]؛ و اگر خدا می خواست [خود بدون فرمان جنگ] از آنان انتقام می گرفت... (ترجمه ی انصاریان)

سوره ی تحریم، آیه ی ۹: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيَسَّ الْمَصِيرُ

ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر [که] جای ایشان در جهنم خواهد بود و چه بد سرانجامی است. (ترجمه فولادوند)

ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن، و با آنان درستی کن که سرا و سرانجامشان جهنم است و بد سرانجامی است. (ترجمه خرمشاهی)

۱ - تنها راه حل الله در مورد مجازات دزدان و زانیان، توسل به خشونت شدید است و نه مثلاً زندانی کردن. پرسشی که پیش می آید این است که پس از بریدن دست دزدی که آشکار می شود برای رفع نیازهای ضروری از سر فقر و ناچاری دست به دزدی زده است، چه بر سر وی خواهد آمد؟ کسی که با وجود دستهای سالم، در رفع نیازهای ضروری ناتوان بوده به طوری که به ناچار دست به دزدی زده است، حال با نبود

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

دستهایش، آیا قادر به رفع نیازهایش خواهد بود؟ به جای رفع مشکل، مشکلی جدید بر دوش وی و جامعه اضافه می شود و آن اضافه شدن یک گدا به جمع گدایان است، تازه اگر آن شخص بر اثر فشار روانی و شرم حاصل از آشکار شدن در سطح جامعه، دست به خودکشی نزند. حال باید پرسید چه حکمت و فرزاندگی در این حکم نهفته است؟ همچنین با زدن شلاق بر بدن زانیان (تنها باکره ها، با ترجمه ی خرمشاهی)، آیا ریشه ی زناکاری کنده می شود؟ چطور است که اموال دگرکیشان را به نام جهاد می توان دزدید؟! چگونه است که با زنان و دختران دگرکیش به نام غنیمت می توان زنا کرد؟! تعریف دزدی و زنا چیست؟

۲- از دینی که صریحاً دستور بریدن سر (سوره ی محمد، آیه ی ۴) و دست و پا (سوره ی مائده، آیه ی ۳۳) را بنا به هر دلیلی می دهد، قرار است که گاندی، آلبرت شوایتزر، مادر ترزا و یا پزشکان بدون مرز تولید شود یا اینکه طالبان، داعش و بوکوحرام؟

۳- بیشترین دستورات خشونت علیه کفار است. این در حالی است که در سوره ی آل عمران، آیه ی ۲۰، گفته می شود:

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنِينَ أَاسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

و اگر با تو مواجه کردند بگو من و هر آن کس که پیرو من است روی دل به سوی خداوند می نهیم، و به اهل کتاب و قوم بی کتاب [مشرکان عرب] بگو آیا اسلام می آورید؟ اگر اسلام آوردند، به راستی راهیاب شده اند و اگر رویگردان شدند، همین رساندن پیام بر تو است و خداوند بر [احوال] بندگانش بیناست. (ترجمه خرمشاهی)

پس اگر با تو به محاجه برخاستند بگو من خود را تسلیم خدا نموده ام و هر که مرا پیروی کرده [نیز خود را تسلیم خدا نموده است] و به کسانی که اهل کتابند و به مشرکان بگو آیا اسلام آورده اید پس اگر اسلام آوردند قطعاً هدایت یافته اند و اگر روی بر تافتند فقط رساندن پیام بر عهده توست و خداوند به [امور] بندگان بیناست. (ترجمه فولادوند)

چنانکه در ترجمه ها دیده میشود، الله وظیفه ی رسول را تنها ابلاغ پیامش به اهل کتاب و مشرکین ذکر می کند! اما در جاهایی دیگر، امر به کارزار آن هم با تأکید بر کشتن و اسیر کردن می دهد. در حالی که می توانست گفته شود که مثلاً در صورت حمله به شما از خود دفاع نمایید و نه این که چنین صریح امر به کشتن داده شود. حتی در آیات فوق، مانند ۵ توبه و یا ۸۹ نساء، بوی نبرد تدافعی به مشام نمی رسد.

۶- موضوع عذاب و لعن (نفرین و دشنام)

سوره ی بقره، آیه ی ۱۵۹: إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ

کسانی که نشانه های روشن و رهنمودی را که فرو فرستاده ایم بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح داده ایم نهفته می دارند آنان را خدا لعنت می کند و لعنت کنندگان لعنتشان می کنند. (ترجمه ی فولادوند)

کسانی که آیات روشن و رهنمودهایی را که نازل کرده ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان کرده ایم، پنهان می دارند، خداوند و لعنت گران بر آنان لعنت می فرستند. (ترجمه ی خرمشاهی)

آن گروه (از علمای اهل کتاب) که آیات واضحه و هدایتی را که فرستادیم کتمان نمایند بعد از آنکه آن را برای (هدایت) مردم در کتاب آسمانی بیان کردیم، آنها را خدا و تمام لعن کنندگان (از جن و انس و ملک) نیز لعن می کنند. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی بقره، آیه های ۱۶۱، ۱۶۲ و ۱۶۳: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمُ لعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ* خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ* وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

کسانی که کافر شدند و در حال کفر مردند لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر آنان باد* در آن [لعنت] جاودانه بمانند نه عذابشان کاسته گردد و نه مهلت یابند* و معبود شما معبود بیگانه ای است که جز او هیچ معبودی نیست [و اوست] بخشایشگر مهربان. [!] (ترجمه ی فولادوند)

کسانی که کفرورزیده‌اند و در کفر مرده‌اند، لعنت خداوند و فرشتگان و مردم جملگی بر آنان است* جاودانه در نوزخ‌اند و از عذابشان کاسته نمی‌شود، و به آنان مهلت ندهند* و خدای شما خدای بیگانه است که خدایی جز او نیست و رحمان و رحیم است. [!] (ترجمه ی خرشاهی)

انان که کافر شده و به عقیده کفر مردند البته بر آن گروه، خدا و فرشتگان و مردمان همه لعن می‌فرستند* همیشه در جهنم (به عذاب و شکنجه) باشند، نه بر آنان تخفیف عذاب دهند و نه به نظر رحمت بنگرند* و خدای شما، خدای یکتاست، نیست خدایی مگر او که بخشاینده و مهربان است. [!] (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۲۹: وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست هر که را بخواهد می‌آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و خداوند آمرزنده مهربان است. [!] (ترجمه ی فولادوند)

و آنچه در آسمانها و در زمین است از آن خداوند است، هر که را که خواهد می‌آمرزد و هر که را که خواهد عذاب می‌کند و خداوند آمرزگار مهربان است. [!] (ترجمه ی خرشاهی)

هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است ملک خداست، هر که را خواهد ببخشد و هر که را خواهد عذاب کند، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. [!] (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی آل عمران، آیه ی ۶۱: فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَلْيُنذِرْ لِنَفْسِكَ وَأَبْنَاءِكَ وَابْنَاتِكَ وَنِسَاءِكَ وَأَنْفُسِنَا وَأَنْفُسِكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده با تو محاجه کند بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (ترجمه ی فولادوند)

پس هر کس با تو درباره عیسی در مقام مجادله برآید بعد از آنکه به احوال او آگاهی یافتی، بگو: بیایید ما و شما فرزندان و زنان و کسانی را که به منزله خودمان هستند بخوانیم، سپس به مباحله بر خیزیم (در حق یکدیگر نفرین کنیم) تا دروغگویان (و کافران) را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

پس هر که با تو درباره او [عیسی] پس از آنکه بر تو [به واسطه وحی، نسبت به احوال وی] علم و آگاهی آمد، مجادله و ستیز کند، بگو: بیایید ما پسرانمان را و شما پسرانتان را، و ما زنانمان را و شما زنانتان را، و ما نفوسمان را و شما نفوستان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (ترجمه ی انصاریان)

(لعن: نفرین، دشنام – مباحله: بر یکدیگر لعنت کردن «فرهنگ معین»)

سوره ی نساء، آیه ی ۵۲: أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا

اینانند که خدا لعنتشان کرده و هر که را خدا لعنت کند هرگز برای او یابوری نخواهی یافت. (ترجمه ی فولادوند)

این گروهند که خدا آنان را لعنت کرد، و هر که را خدا لعن کند دیگر مددکار و یابوری برای او نتوانی یافت. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی نساء، آیه ی ۵۶: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلِمًا تَصْبِتُ جُلُودُهُمْ بَلَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

به زودی کسانی را که به آیات ما کفر ورزیده اند در آتشی [سوزان] درآوریم که هر چه پوستشان بریان گردد پوستهای دیگری بر جایش نهیم تا عذاب را بچشند آری خداوند توانای حکیم است. (ترجمه ی فولادوند)

کسانی که آیات ما را انکار کرده اند، به آتشی در خواهیمشان آورد که هر چه پوستهایشان پخته [و فرسوده] شود به جای آنها پوستهای دیگر آوریم، تا عذاب را بچشند، خداوند پیروزمند فرزانه است. (ترجمه ی خرمشاهی)

آنان که به آیات ما کافر شدند به زودی در آتش نوزخشان درافکنیم که هر چه پوست تن آنها بسوزد آنان را پوست دیگری جایگزین کنیم تا (سختی) عذاب را بچشند، که همانا خدا مقدر و کارش از روی حکمت است. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی نساء، آیه ی ۱۸: لَعْنَةُ اللَّهِ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا

خدا لعنتش کند [وقتی که] گفت بی گمان از میان بندگانت نصیبی معین [برای خود] برخواهم گرفت. (ترجمه ی فولادوند)

که خداوند او را گرفتار لعنت کرد و او گفت از بندگان تو سهم معینی برمی گیرم. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی مائده، آیه ی ۶۰: قُلْ هَلْ أَنْبَأُكُمْ بِشَرِّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ...

بگو آیا شما را به بدتر از [صاحبان] این کیفر در پیشگاه خدا خبر دهم همانان که خدا لعنتشان کرده و بر آنان خشم گرفته و از آنان بوزینگان و خوکان پدید آورده... (ترجمه ی فولادوند)

بگو (ای پیغمبر): آیا شما را آگاه سازم که کدام قوم را نزد خدا بدترین پاداش است؟ کسانی که خدا بر آنها لعن و غضب کرده و برخی از آنان را به بوزینه و خوک مسخ نموده... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

بگو: آیا شما را از کسانی که کیفرشان [از مؤمنانی که به خیال خود از آنان عیب می گیرید و آنان را سزاوار عذاب می دانید] نزد خدا بدتر است، خبر دهم؟ [آنان] کسانی [از گذشتگان خود شما] هستند که خدا لعنتشان کرده، و بر آنان خشم گرفته، و برخی از آنان را به صورت بوزینه و خوک درآورده... (ترجمه ی انصاریان)

سوره ی اعراف، آیه ی ۱۶۶: فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ

و چون از آنچه از آن نهی شده بودند سرپیچی کردند به آنان گفتیم بوزینگانی رانده شده باشید. (ترجمه ی فولادوند)

و چون در برابر آنچه از آن نهی شده بودند، گردنکشی کردند، فرمودیمشان که بوزینگان مطرود باشید. (ترجمه ی خرمشاهی)

پس چون سرکشی و تکبر کرده و آنچه ممنوع بود مرتکب شدند به آنها گفتیم به شکل بوزینه شوید و بسی نور و بازمانده از رحمت خدا باشید. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

هنگامی که در برابر فرمانی که به آنها داده شده بود سرکشی نمودند به آنها گفتیم به شکل میمونها در آئید و طرد شوید. (ترجمه مکارم شیرازی)

سوره ی هود، آیه ی ۱۸: ... لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

... لعنت خدا بر ظالمان باد! (ترجمه مکارم شیرازی)

سایر ترجمه ها نیز تقریباً همین است.

سوره ی حج، آیه های ۱۹، ۲۰ و ۲۱: ... فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ نِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ * يُصْهِرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ * وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

... و کسانی که کفر ورزیدند جامه هایی از آتش برایشان بریده شده است [و] از بالای سرشان آب جوشان ریخته می شود* آنچه در شکم آنهاست با پوست [بدن]شان بدان گداخته می گردد* و برای [وارد کردن ضربت بر سر] آنان گرزهایی آهنین است. (ترجمه ی فولادوند)

... و کافران را لباسی از آتش نوزخ به قامت بریده اند و بر سر آنان آب سوزان جهنم فرو ریزند* که آنچه در درون آنهاست (از امعاء و احشاء همه) و پوست بدنشان به آن آب سوزان گداخته شود* و گرزگران و عمودهای آهنین بر (سر) آنها مهیا باشد. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی مؤمنون، آیه ی ۱۰۸: قَالَ اخْسِئُوا فِيهَا وَلَا تُكْمُونَ

باز به آنان خطاب سخت شود: (ای سگان) دور شوید و به نوزخ درآیید و با من لب از سخن فروبندید. (ترجمه ی الهی قمشه ای) می فرماید [بروید] در آن گم شوید و با من سخن مگویید. (ترجمه ی فولادوند)

[خدا] می گوید: [ای سگان!] در نوزخ گم شوید و با من سخن مگویید! (ترجمه ی انصاریان)

سوره ی فرقان، آیه ی ۱۱: بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا

[نه] بلکه [آنها] رستاخیز را دروغ خواندند و برای هر کس که رستاخیز را دروغ خواند آتش سوزان آماده کرده ایم. (ترجمه ی فولادوند)

حق این است که قیامت را انکار کرده اند، و برای منکر قیامت آتشی فروزان آماده ساخته ایم. (ترجمه ی خرمشاهی)

بلکه این کافران ساعت قیامت را تکذیب کردند و ما آتش سوزان نوزخ را بر آن که قیامت را تکذیب کرد مهیا داشته ایم. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی فرقان، آیه ی ۱۹: ... وَمَنْ يَظَلْمْ مِنْكُمْ نُنْفِئْهُ عَذَابًا كَبِيرًا

... و هر کسی از شما بندگان (با شرک آوردن) ظلم و ستم نماید ما او را به عذابی بزرگ گرفتار می گردانیم. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... و هر کس از شما شرک ورزد عذابی سهمگین به او می چسانیم. (ترجمه ی فولادوند)

... و هر کس از شما که ستم [شرک] ورزیده باشد، به او عذابی سهمگین می چسانیم. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی فرقان، آیه ی ۴۴: أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا

یا گمان داری که بیشترشان می شنوند یا می اندیشند آنان جز مانند ستوران نیستند بلکه گمراه ترند. (ترجمه ی فولادوند)

یا گمان می کنی که بیشترینه آنان گوش شنوا دارند یا تعقل می کنند، آنان جز همانند چارپایان نیستند، بلکه ایشان گمراه ترند. (ترجمه ی خرمشاهی)

یا پنداری که اکثر این کافران حرفی می شنوند یا فکر و تعقلی دارند؟ اینان (در بی عقلی) بس مانند چهار پایانند بلکه (نادان تر و) گمراه ترند. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی نمل، آیه های ۴ و ۵: إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ* أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْآخْسَرُونَ

کسانی که به آخرت ایمان ندارند کردارهایشان را در نظرشان بیاراستیم [تا همچنان] سرگشته بمانند* آنان کسانی اند که عذاب سخت برای ایشان خواهد بود و در آخرت خود زیانکارترین [مردم] اند. (ترجمه ی فولادوند)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

بی‌گمان کسانی که به آخرت ایمان ندارند کار و کردارشان را در چشمشان آراسته جلوه می‌دهیم، و ایشان سرگشته‌اند* اینان کسانی هستند که عذاب سخت را [در پیش] دارند و در آخرت زیانکارترین [انسانها] هستند. (ترجمه ی خرمشاهی)

همانا آنان که ایمان به عالم آخرت نمی‌آورند (پس از اتمام حجت) ما اعمالشان را در نظرشان جلوه دهیم و آنها به کلی گمراه و سرگشته شوند* آنها را هم (در دنیا) سخت‌ترین عذاب است و هم در آخرت زیانکارترین خلقند. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

به راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال [زشتشان] را در نظرشان آراستیم، پس همواره در حیرت و سرگردانی اند،* اینان کسانی هستند که عذاب سختی برای آنان است و بی‌تردید آنان در آخرت زیانکارترین [مردم] اند. (ترجمه ی انصاریان)

سوره ی عنکبوت، آیه ی ۲۳: وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

و کسانی که آیات خدا و لقای او را منکر شدند آنانند که از رحمت من نومیدند و ایشان را عذابی پر درد خواهد بود. (ترجمه ی فولادوند)

و آنان که به آیات خدا و شهود لقای او کافر شدند آنها از رحمت (و نعمت بهشت) من ناامیدند و سخت به عذاب دردناک گرفتار خواهند شد. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

و کسانی که به آیات خدا و دیدار [قیامت و محاسبه اعمال به وسیله] او کفر ورزیدند، آنان از رحمت من مأیوسند و برای آنان عذابی دردناک است. (ترجمه ی انصاریان)

سوره ی روم، آیه ی ۱۶: وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ

و اما آن فرقه که کافر شدند و آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کردند آنان را (برای کیفر) در عذاب نوزخ حاضر کنند. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

و اما آنها که به آیات ما و لقای آخرت کافر شدند در عذاب الهی احضار می‌شوند. (ترجمه ی مکارم شیرازی)

و اما کسانی که کافر شده و آیات ما و دیدار آخرت را به دروغ گرفته اند پس آنان در عذاب حاضر آیند. (ترجمه ی فولادوند)

سوره ی دخان، آیه های ۴۵ و ۴۶: كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ * كَغَلِيِّ الْحَمِيمِ

چون مس گداخته در شکمها می‌گدازد* همانند جوشش آب جوشان (ترجمه ی فولادوند)

که مانند فلز گداخته در شکمها می‌جوشد* مانند جوشیدن آب گرم (ترجمه ی خرمشاهی)

که آن غذا در شکمهاشان چون مس گداخته در آتش می‌جوشد* آن سان که آب به روی آتش جوشان است. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی جاثیه، آیه ی ۱۱: هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٌ

این قرآن هدایت خلق است و آنان که به آیات خدای خود کافر شدند جزای آنها عذاب دردناک نوزخ است. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

این رهنمودی است و کسانی که آیات پروردگارشان را انکار کردند بر ایشان عذابی دردناک از پلیدی است. (ترجمه ی فولادوند)

این رهنمودی است و کسانی که به آیات پروردگارشان انکار ورزیده‌اند، عذابی از عقوبتی دردناک دارند. (ترجمه ی خرمشاهی)

این [قرآن] سراسر هدایت است؛ و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شدند، آنان را عذابی است از نوع عذابی بسیار سخت و دردناک. (ترجمه ی انصاریان)

این (قرآن) مایه هدایت است، و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شدند عذابی سخت و دردناک دارند. (ترجمه ی مکارم شیرازی)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

سوره ی محمد، آیه های ۲۷ و ۲۸: فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّيْتُهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ * ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرَهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ

پس چگونه [تاب می آورند] وقتی که فرشتگان [عذاب] جانشان را می ستانند و بر چهره و پشت آنان تازیانه می نوازند* زیرا آنان از آنچه خدا را به خشم آورده پیروی کرده اند و خرسندیش را خوش نداشتند پس اعمالشان را باطل گردانید. (ترجمه ی فولادوند)

پس با چه حال سختی اینان رو به رو شوند هنگامی که فرشتگان (عذاب) جانشان بگیرند و بر روی و پشت آنها (تازیانه قهر) زنند؟! * این عذاب بدین سبب است که از پی راهی که موجب خشم خداست رفتند و راه رضا و خشنودی او را خوش نداشتند خدا هم اعمالشان را محو و باطل گردانید. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

حال آنها چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان (مرگ) بر صورت و پشت آنها می زنند (و قبض روحشان می کنند)* این بخاطر آن است که آنها از آنچه خداوند را به خشم می آورد پیروی کردند و آنچه را موجب خشنودی او است کراهت داشتند لذا اعمالشان را حبیط و نابود کرد. (ترجمه ی مکارم شیرازی)

سوره ی ذاریات، آیه ی ۱۰: قَتَلَ الْخَرَّاصُونَ

کشته شوند دروغگویان (و مرگ بر آنها!). (ترجمه ی مکارم شیرازی)

کشته باد و نابود آنان که دروغ بنند (و قرآن را سحر و فسانه بر خوانند). (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی منافقون، آیه ی ۴: ... قَاتَلَهُمُ اللَّهُ...

... خدا بکشدشان... (ترجمه ی فولادوند)

... خداوند لعنتشان کند... (ترجمه ی خرمشاهی)

... خدایشان بکشد... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... خداوند آنها را بکشد... (ترجمه ی مکارم شیرازی)

... خدا آنان را بکشد... (ترجمه ی انصاریان)

سوره ی ملک، آیه ی ۱۱: ... فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ

... و مرگ باد بر اهل جهنم. (ترجمه ی فولادوند)

... لعنت باد نوزخیان را (ترجمه ی خرمشاهی)

... و مرگ و نوری از رحمت بر اهل آتش سوزان باد. (ترجمه ی انصاریان)

سوره ی انسان، آیه ی ۴: إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا

ما برای کافران زنجیرها و غلها و شعله های سوزان آتش آماده کرده ایم. (ترجمه ی فولادوند)

ما برای کافران زنجیرها و بندها و آتش فروزان آماده ساخته ایم. (ترجمه ی خرمشاهی)

ما برای (کیفر) کافران غل و زنجیرها و آتش سوزان مهیا ساخته ایم. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی علق، آیه های ۱۵ و ۱۶: كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لِنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ * نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِبَةٍ

زنهار اگر باز نایستد موی پیشانی [او] را سخت بگیریم* [همان] موی پیشانی دروغزن گناه پیشه را. (ترجمه ی فولادوند)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

حاشا، اگر از آن کار دست بر ندارد، موی پیشانی او را به سختی بگیریم* موی پیشانی دروغزن خطاپیشه را. (ترجمه ی خرمشاهی)

هرگز (این را نداند)، اگر او (از کفر و ظلم و تکذیبش) دست نکشد البته ما موی پیشانیش (به قهر و انتقام) بگیریم.* آن پیشانی دروغزن خطا پیشه را (به خاک هلاک کشیم). (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی مسد، آیه های ۱ و ۳: تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ* سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ

بریده باد نو دست ابولهب و مرگ بر او باد* بزودی در آتشی پرزبانه درآید. (ترجمه ی فولادوند)

بریده باد هر نو دست ابولهب (و مرگ بر او باد)* و به زودی وارد آتشی می شود که دارای شعله فروزان است. (ترجمه ی مکارم شیرازی)

۱ - همان گونه که از فحوای آیات فوق پیداست، با الله ی مواجهیم سخت خشمگین که گاهی این خشم را با چاشنی لعن (نفرین و دشنام) می آمیزد و علاوه بر اینکه وعده های شکنجه و عذابهای سخت و دردناک و دایمی را می دهد، با نفرین هایی مانند "مرگ بر...، لعنت باد...، نابود باد...، کشته باد...، گم شوید... و به دوزخ درآید..." و کلمات موهنی از قبیل "چارپایان، بوزینگان و خوکان" کافران و مشرکان را مورد حمله قرار می دهد. شریک گرفتن برای الله، منکر وی، یا رسول وی و یا روز قیامت شدن، بزرگترین گناهان محسوب می گردند، و نه مثلاً کشتن، به غنیمت بردن و فروش مردمان دگراندیش به نام کنیز و غلام! آیا در شأن و جایگاه خالق آسمان ها و زمین است که چنین واژه هایی را به کار برد؟ اساساً دشنام و نفرین، بخشی از اعمال ناپسند انسانی محسوب می شود و مناسب نمی نماید که در کلام الله ظاهر و جاری شود.

۲ - در سوره ی آل عمران، آیه ی ۶۱، الله توصیه به نفرین و فحاشی به یکدیگر (مباهله) می کند! جالب است که خرمشاهی چون متوجه این توصیه ی ناشایست الله شده است، با ماله کشی و عدم صداقت، واژه ی "مباهله" را "تضرع" ترجمه می کند!

۳ - توجه شود که در سوره ی نمل، آیه ی ۴، اعمال زشت را در نگاه عاملان آن اعمال می آرید! در واقع به جای آنکه زشتی چنان اعمالی را به عاملانش بنمایاند، آن اعمال را در نگاه ایشان خوب جلوه می دهد! آیا چنین کاری را شیطان نباید به انجام برساند؟!

۴ - به کافران آنقدر عذاب های دردناک وعده داده شده است و مورد لعن و نفرین واقع گردیده اند، که احساس می شود مظلوم واقع شده اند! جالب است که در زبان نهایندی (شهر نویسنده ی این مقاله)، هرگاه شخصی مظلوم واقع می شود، وی را "کافر" خطاب می کنند! حتی در اغلب موارد، همراه با کاف تحبیب (مانند: طفل+ک = طفلک) به کار می رود و گفته می شود "کافرک" (=طفلکی) که بار مثبت عاطفی آن بیشتر می باشد. تصور من این است که چون آخرین مقاومت مهم ایرانیان در برابر هجوم اعراب، در نهاوند بوده است و نیاکان ما شاهد خشونت و ظلم مسلمانان علیه خودشان بوده اند و با لفظ "کافر" مورد خطاب واقع می شده اند، بنابراین این واژه، بار مظلومیت به خود گرفته است و با همان بار مظلومیت به ما رسیده است.

۷- کنیزان و زنان

سوره ی بقره، آیه ی ۲۲۱: وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ...

و با زنان مشرک از نواج مکنید تا ایمان بیآورند قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است هر چند [زیبایی] او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیآورند قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است هر چند شما را به شگفت آورد... (ترجمه ی فولادوند)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

و زنان مشرک را به همسری خود در نیاورید، مگر آنکه ایمان بیاورند، و کنیزی مؤمن بهتر است از زن آزاد مشرک، هر چند که شما را از او خوش آید و [زنان مسلمان را] به همسری مشرکان در نیاورید، مگر آنکه ایمان آورند و بردهای مؤمن بهتر از مرد آزاد مشرک است، هر چند که شما را از او خوش آید... (ترجمه ی خرمشاهی)

و با زنان مشرک از بواج مکنید مگر آنکه ایمان آرند و همانا کنیزی با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است هر چند از (حسن و جمال) او به شگفت آید، و زن به مشرکان مدهید مگر آنکه ایمان آرند و همانا بنده مؤمن بسی بهتر از آزاد مشرک است هر چند از (مال و حسن) او به شگفت آید... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی بقره، آیه ی ۲۲۳: نَسَاؤُكُمْ حَرَّتْ لَكُمْ فَاتُّوا حَرَّتْكُمْ أُنَى شَيْئِكُمْ وَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ ...

زنان شما کشتزار شما هستند پس از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آید و آنها را برای خودتان مقدم دارید... (ترجمه ی فولادوند)

زنان شما [در حکم] کشتزار شما هستند، هر گونه که خواستید به کشتزار خویش در آید و برای خویش پیش اندیشی کنید... (ترجمه ی خرمشاهی)

زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند، پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید. و (سعی نمائید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید!... (ترجمه ی مکارم شیرازی)

سوره ی بقره، آیه ی ۲۸۲: ... وَاسْتَنْهُوا شَهِيدِينَ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى...

... و دو شاهد از مردانتان را به شهادت طلبید، پس اگر دو مرد نبودند، مردی را با دو زن، از میان گواهانی که (به عدالت آنان) رضایت دارید (گواه بگیرید)، تا (اگر) یکی از آن دو (زن) فراموش کرد، (زن) دیگر، وی را یادآوری کند... (ترجمه ی فولادوند)

... و دو شاهد از مردان خودتان [مسلمانان] را بر آن گواه بگیرید، و اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن از گواهانی که می‌پسندید [انتخاب کنید]، که اگر یکی از آنها فراموش کرد، آن دیگری به یادش آورد... (ترجمه ی خرمشاهی)

... و دو تن از مردان خود (از مسلمانان عادل) گواه آرید، و اگر دو مرد نیابید یک مرد و دو زن، از هر که (به عدالت) قبول دارید گواه گیرید تا اگر یک نفر از آن دو زن فراموش کند دیگری به خاطرش آورد... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی نور، آیه ی ۳۱: وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضَضْنَ مِنْ أْبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءَ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرَابَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...

و زنان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهرا ظاهر می‌شود (بر بیگانه) آشکار نسازند، و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود یا پدران یا پدران شوهر یا پسران خود یا پسران شوهر یا برادران خود یا پسران برادران و پسران خواهران خود یا زنان خود (یعنی زنان مسلمه) یا کنیزان ملکی خویش یا مردان اتباع خانواده که رغبت به زنان ندارند یا اطفالی که هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه نیستند (و از غیر این اشخاص مذکور احتجاب و احتراز کنند) و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

و به زنان مؤمن [هم] بگو دیدگانشان را فروگذارند و ناموسشان را محفوظ بدارند و زینتشان را جز آنچه از آن آشکار است، آشکار نکنند، روسریهایشان را بر گریبانهایشان بیندازند، و زینتشان را آشکار نکنند مگر بر شوهرشان یا پدرشان، یا پدران شوهرشان یا پسرانشان، یا پسران شوهرشان، یا برادرشان یا پسران برادرشان، یا پسران خواهرشان یا زنان [همکیش]شان، یا ملک بزمینهایشان، یا غلامانی که نیازمند [به زن] نیستند، یا کودکانی که بر نهانیهای زنان آگاه نیستند، و بگو که چنان پای نکوبند تا زینتی که پنهان داشته‌اند، معلوم شود... (ترجمه ی خرمشاهی)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

و به زنان بالیمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را [مانند لباس های زیبا، گوشواره و گردن بند] مگر مقداری که [طبیعتاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر دست و صورت] بپداست [در برابر کسی] آشکار نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقعه های خود را به روی گریبان هایشان بیندازند، و زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان [هم کیش خود] شان، یا بردگان زر خریدشان، یا خدمتکارانشان از مردانی که ساده لوح و کم عقل اند و نیاز شهوانی حس نمی کنند، یا کودکانی که [به سن تمیز دادن خوب و بد نسبت به امیال جنسی] نرسیده اند. و زنان نباید پاهایشان را [هنگام راه رفتن آن گونه] به زمین بزنند تا آنچه از زینت هایشان پنهان می دارند [به وسیله نامحرمان] شناخته شود... (ترجمه ی انصاریان)

سوره ی نور، آیه ی ۳۳: ... وَلَا تُكْرَهُوا قَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتِغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ

... و کنیزان خود را در صورتی که تمایل به پاکدامنی دارند برای اینکه متاع زندگی دنیا را بجویید به زنا وادار مکنید و هر کس آنان را به زور وادار کند در حقیقت خدا پس از اجبار نمودن ایشان [نسبت به آنها] آمرزنده مهربان است. (ترجمه ی فولادوند)

... و کنیزکانتان را اگر عزم پاکدامنی دارند، به فحشا وادار مکنید که مال دنیا به دست آورید، و هر کس ایشان را اجبار کند، بداند که خداوند با توجه به اگراهشان، آمرزگار مهربان است. (ترجمه ی خرمشاهی)

... و کنیزان خود را که می خواهند پاکدامن باشند، برای به دست آوردن متاع ناچیز و زودگذر زندگی دنیا به زنا وادار مکنید، و هر که آنان را وادار [به زنا] کند، به یقین خدا پس از مجبور شدنشان [نسبت به آنان] بسیار آمرزنده و مهربان است. (ترجمه ی انصاریان)

سوره ی احزاب، آیه ی ۵۰: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

ای پیامبر ما برای تو آن همسرانی را که مهرشان را دانه ای حلال کردیم و [کنیزانی] را که خدا از غنیمت جنگی در اختیار تو قرار داده و دختران عمویت و دختران عمه هایت و دختران دایی تو و دختران خاله هایت که با تو مهاجرت کرده اند و زن مؤمنی که خود را [داوطلبانه] به پیامبر ببخشد در صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد [این از دواج از روی بخشش] ویژه توست نه دیگر مؤمنان ما نیک می دانیم که در مورد زنان و کنیزانشان چه بر آنان مقرر کرده ایم تا برای تو مشکلی پیش نیاید و خدا همواره آمرزنده مهربان است. (ترجمه ی فولادوند)

ای پیامبر، ما همسرانت را بر تو حلال داشته ایم، [یعنی] آنانی را که مهرشان را دانه ای، و آنانی را که خداوند از طریق فیه و غنیمت به تو بخشیده است، و ملک یمین تو هستند، و همچنین دختران عمویت و دختران عمهات و دختران داییات، و دختران خالهات که همراه با تو هجرت کرده اند، و نیز زن مؤمنی را که خویشتن را به پیامبر ببخشد. به شرط آنکه پیامبر بخواهد او را به همسری خود درآورد که این خاص تو و نه سایر مؤمنان است، خود به خوبی می دانیم که برای ایشان در مورد همسرانشان و ملک یمینهایشان چه چیزهایی مقرر داشته ایم، تا [در نهایت] برای تو محظوری نباشد، و خداوند آمرزگار مهربان است. (ترجمه ی خرمشاهی)

ای پیغمبر (گرامی) ما زنانی را که مهرشان ادا کردی بر تو حلال کردیم و نیز کنیزانی را که به غنیمت خدا تو را نصیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمو و دختران عمه ها و دختران خالو و دختران خاله هایت را آنها که با تو از وطن خود هجرت کردند و نیز زن مؤمنه ای را که خود را به رسول (بی شرط و مهر) ببخشد و رسول هم به نکاحش مایل باشد، که این حکم (هبه و بخشیدن زن و حلال شدن او) مخصوص توست نون مؤمنان، که ما حکم زنان عقدی و کنیزان ملکی مؤمنان را (که بیشتر با شرایط و عدد و حقوق آنها بر شوهر همه را بیان کردیم) می دانیم که چه مقرر کرده ایم. (این زنان همه را که بر تو حلال کردیم و تو را مانند مؤمنان امت به احکام نکاح مقید نکردیم) بدین سبب است که بر وجود (عزیز) تو در امر نکاح هیچ حرج و زحمتی نباشد. و خدا را (بر بندگان، خصوص بر تو) مغفرت و رحمت بسیار است. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

ای پیامبر! ما همسران تو را که مهرشان را پرداخته ای برای تو حلال کردیم، و همچنین کنیزانی که از طریق غنائمی که خدا به تو بخشیده است مالک شده ای و دختران عمومی تو، و دختران عمه ها، و دختران دایی تو و دختران خاله ها که با تو مهاجرت کردند، هر گاه زن با ایمانی خود را به پیامبر ببخشد (و مهری برای خود قائل نشود) چنانچه پیامبر بخواهد می تواند با او ازواج کند اما چنین ازواجی تنها برای تو مجاز است نه سایر مؤمنان، ما می دانیم برای آنها در مورد همسرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرر داشته ایم (و مصالح آنها چه ایجاب می کند) این به خاطر آن است که مشکلی (در ادای رسالت) بر تو نبوده باشد، و خداوند آمرزنده و مهربان است. (ترجمه ی مکارم شیرازی)

سوره ی احزاب، آیه ی ۵۲: لَا يَجِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا

از این پس دیگر [گرفتن] زنان و نیز اینکه به جای آنان زنان دیگری بر تو حلال نیست هر چند زیبایی آنها برای تو مورد پسند افتد به استثنای کنیزان و خدا همواره بر هر چیزی مراقب است. (ترجمه ی فولادوند)

(ای رسول) بعد از این (زنان) دیگر نه عقد هیچ زن بر تو حلال است و نه مبتل کردن این زنان به دیگر زن هر چند از حسنشان به شگفت آیی و بسیار در نظرت زیبا آیند مگر که کنیزی مالک شوی. و خدا بر هر چیز (و بر حدودش) مراقب و نگهبان است. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

[غیر از زن هایی که گفته شد] از این پس زنان دیگر برای تو حلال نیست، و [نیز] جایز نیست که آنان را به همسرانی دیگر تبدیل کنی گرچه زیبایی آنان تو را خوش آید، مگر کنیزی که مالکش شوی؛ و خدا نگهبان و مراقب همه چیز است. (ترجمه ی انصاریان)

سوره ی احزاب، آیه ی ۵۳: ... وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا

... و شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید و مطلقاً [نباید] زناش را پس از [مرگ] او به نکاح خود در آورید چرا که این [کار] نزد خدا همواره [گناهی] بزرگ است. (ترجمه ی فولادوند)

... و نباید هرگز رسول خدا را (در حیات) بیازارید و نه پس از وفات هیچ گاه زناش را به نکاح خود در آورید، که این کار نزد خدا (گناهی) بسیار بزرگ است. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود در آورید که این کار نزد خدا عظیم است! (ترجمه ی مکارم شیرازی)

سوره ی معارج، آیه ی ۳۰: إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ

مگر بر همسران خود یا کنیزانشان که [در این صورت] مورد نکوهش نیستند. (ترجمه ی فولادوند)

مگر بر زنان حلال و کنیزان ملکی خویش که (از اعمال شهوت با آنها) هیچ ملامت ندارند. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

مگر در کام جویی از همسران و کنیزانشان که آنان در این زمینه مورد سرزنش نیستند. (ترجمه ی انصاریان)

۱ - دیده می شود که کامجویی از کنیزان برای رسول و مسلمانان جایز شمرده شده است، چرا که غنیمت جنگی محسوب می گردند. درحالیکه این زنان بدبخت، روزی انسانهایی آزاد بوده اند؛ گرچه قرآن صریحاً می گوید (۲۲۱ بقره) که کنیز مؤمن از زن آزاد مشرک بهتر است. بعبارتی، زنی که در بند است و برده ی جنسی محسوب می شود، به صرف داشتن ایمان به الله ی که بانی اسیر شدن وی گشته است، از دید الله بهتر از زنی آزاد است که بانوی خانه ی خویش است اما به الله اعتقاد ندارد و یا شریک برای وی می گیرد!

۲ - آنجایی که گرفتن زنان برای رسول منع می شود باز داشتن کنیز مجاز است. انگار کنیز تنها یک ماشین رفع شهوت فاقد احساس برای رسول (و سایر مسلمین) محسوب شده و اصلاً سر انسان به حساب نمی آید!

۳- انگار مرسوم بوده است کنیزان بخت برگشته را به اجاره می‌داده‌اند و مؤید این موضوع هم سوره ی نور، آیه ی ۳۳ می‌باشد. جالب است که در همین آیه، اشخاصی که چنین کاری را می‌کرده‌اند، مورد ملامت واقع نمی‌شوند؛ بلکه الله بر سر کنیزان اجاره داده شده منت گذارده و آنها را می‌بخشد! وجدان الهی قمشه ای آزرده شده و در انتهای ترجمه ی این آیه در پرائنتز از خود می‌نویسد: " لیکن شما را که آنها را به زنا مجبور کنید به جای آنان عقاب خواهد کرد."

۴- جالب است که قرآن خطاب به زنان مؤمن می‌گوید "فروج" هایتان را محافظت کنید. این واژه جمع مکرر "فروج" می‌باشد که آلت تناسلی زن معنی می‌دهد. حال چگونه است که چنین واژه ای در قرآن به صراحت آمده و هیچ حساسیتی برانگیخته نمی‌شود، اما در بسیاری نوشته های دیگر، حتی بعضاً کتب پزشکی، به این صراحت ذکر نمی‌شود چرا که مثلاً بی ادبی محسوب می‌گردد.

۵- مراد از جملات " زنان شما کشتزار شما هستند پس از هر جا که خواهید به کشتزار خود درآید " چیست؟ آیا بلافاصله به ذهن خطور نمی‌کند که زنان بخشی از املاک و اموال مردان محسوب می‌گردند؟

۶- چگونه است که پس از مرگ رسول، زنان وی بر دیگران حرام شده‌اند؟! یا اینکه پس از مرگ محمد، الله تحمل دیدن زنان رسولش را در کنار دیگر مردان نداشته (که البته بارها عدم تحمل خود را در قرآن به نمایش گذارده است) و یا اینکه محمد با چنین دستور عجیبی، احتمال بچه دار شدن زنانش را از مردان دیگر به صفر رسانده و شبیه ی ناتوانی خود در تولید فرزند از زنانش را مرتفع ساخته است. یادآوری می‌شود که به رسول بابت مقطوع النسل بودن، نیش و کنایه می‌زده‌اند و بنا بر این در سوره ی کوثر، آیه ی ۳، این طعنه به طعنه زنان برگردانده شده است: *إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ*

که محققا دشمن بدگوی تو (عاص بن وائل) مقطوع النسل است (و نسل تو تا قیامت به کثرت و برکت و عزت باقی است). (ترجمه ی الهی قمشه ای)

یقیناً دشمن [که به] تو [زخم زبان می‌زند] خود بدون تبار و نسل [و بریده از همه خیرات و برکات] است. (ترجمه ی انصار بیان)

۸- مکر و نیرنگِ الله

به آیاتی اشاره خواهد شد که الله خود را مکار و نیرنگ باز معرفی می‌کند:

سوره ی آل عمران، آیه ی ۵۴: *وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ*

بیهود با خدا مکر کردند و خدا هم در مقابل با آنها مکر کرد، و خدا از همه بهتر تواند مکر کرد. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

و [دشمنان] مکر ورزیدند و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است. (ترجمه ی فولادوند)

سوره ی نساء، آیه ی ۱۴۲: *إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ...*

منافقان با خدا نیرنگ می‌کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد... (ترجمه ی فولادوند)

همانا منافقان با خدا مکر و حيله می‌کنند و خدا نیز با آنان مکر می‌کند... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند در حالی که او آنها را فریب می‌دهد... (ترجمه ی مکارم شیرازی)

سوره ی اعراف، آیه ی ۹۹: *أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يُأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ*

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند [با آنکه] جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند. (ترجمه ی فولادوند)

آیا از مکر الهی ایمنند؟ در صورتی که جز زیانکاران کسی از مکر الهی [به خیال خویش] ایمن نیست. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی انفال، آیه ی ۳۰: ... وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ

... و آنان مکر می‌ورزیدند و خداوند هم مکر می‌ورزید و خداوند بهترین مکرانگیزان است. (ترجمه ی خرمشاهی)

... و آنها (با تو) مکر می‌کنند خدا هم (با آنها) مکر می‌کند و خدا بهتر از هر کس مکر تواند کرد. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی یونس، آیه ی ۲۱: ... قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا...

... بگو: مکر و سیاست الهی سریعتر است... (ترجمه ی الهی قمشه ای)

... بگو نیرنگ خدا سریعتر است... (ترجمه ی فولادوند)

سوره ی نمل، آیه ی ۵۰: وَمَكْرُؤًا مَكَرًا وَمَكْرُؤًا مَكَرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

و دست به نیرنگ زدند و [ما نیز] دست به نیرنگ زدیم و خیر نداشتند. (ترجمه ی فولادوند)

و مکر ورزیدند، و ما نیز مکر در میان آوردیم و آنان در نمی‌یافتند. (ترجمه ی خرمشاهی)

سوره ی طارق، آیه های ۱۵ و ۱۶: إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا * وَأَكِيدُ كَيْدًا

آنان دست به نیرنگ می‌زنند* و [من نیز] دست به نیرنگ می‌زنم. (ترجمه ی فولادوند)

دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکر (بر محو اسلام) می‌کنند.* و من هم در مقابل مکرشان مکر خواهم کرد. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

۹- اجبار یا عدم اجبار در پذیرش دین؟

دو آیه ی زیر در تضاد با یکدیگرند:

سوره ی بقره، آیه ی ۲۵۶: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...

در قبول دین، اکراهی نیست... (ترجمه ی مکارم شیرازی)

در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست [کسی حق ندارد کسی را از روی اجبار وادار به پذیرفتن دین کند، بلکه هر کسی باید آزادانه با به کارگیری عقل و با تکیه بر مطالعه و تحقیق، دین را بپذیرد]. [!] (ترجمه ی انصاریان)

در دین هیچ اجباری نیست... (ترجمه ی فولادوند)

سوره ی آل عمران، آیه ی ۸۵: وَمَنْ يُتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

و هر که جز اسلام، دینی طلب کند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است. (ترجمه ی انصاریان)

و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد، و او در آخرت، از زیانکاران است. (ترجمه ی مکارم شیرازی)

و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است. (ترجمه ی فولادوند)

و هر کس که دینی غیر از اسلام برگزیند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است. (ترجمه ی خرمشاهی)

۱۰- موضوع ناسخ و منسوخ

الله در مواقعی سخنان قبلی خود را منسوخ نموده و بنا به گفته ی خود، سخنان بهتر جایگزین نموده است! الله همواره باید بهترین ها را برگزیند، نه اینکه دستوری بدهد که بعداً متوجه شود که به بهتر از آن نیز می توانست امر کند.

سوره ی بقره، آیه ی ۱۰۶: مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِثْلَهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هر آیه ای را که نسخ کنیم یا فروگذاریم، بهتر از آن یا همانندش را در میان آوریم، آیا نمی دانی که خداوند بر هر کاری توانست. (ترجمه ی خرمشاهی)

هر حکمی را نسخ کنیم یا آن را به [ست] فراموشی بسپاریم بهتر از آن یا ماننش را می آوریم مگر ندانستی که خدا بر هر کاری توانست. (ترجمه ی فولادوند)

هر چه از آیات قرآن را نسخ کنیم یا حکم آن را از خاطر ها بریم (و متروک سازیم) بهتر از آن یا مانند آن بیاوریم. آیا نمی دانی که خدا بر هر چیز قادر است؟ (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی نحل، آیه ی ۱۰۱: وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و ما هرگاه آیتی را (از راه مصلحت) نسخ کرده و به جای آن آیتی دیگر آوریم در صورتی که خدا بهتر داند تا چه چیز (به صلاح خلق) نازل کند - (کافران اعتراض بر نسخ آیه کرده و) می گویند تو (بر خدا) همیشه افترا می بندی. (چنین نیست) بلکه اکثر اینها نمی دانند (که این نزول آسمانی است). (ترجمه ی الهی قمشه ای)

و هنگامی که آیه ای را به آیه دیگر تبدیل کنیم (حکمی را نسخ نماییم) - و خدا بهتر می داند چه حکمی را نازل کند - آنها می گویند تو افترا می بندی اما اکثر آنها (حقیقت) را نمی دانند. (ترجمه ی مکارم شیرازی)

۱۱- سوگند خوردن الله

الله در آیات زیادی برای اثبات حقانیت کتاب و رسولش، متوسل به خوردن سوگند می گردد. انسانها اگر برای اثبات حقانیت عمل یا سخنشان، مدارک متقن و روشنی را نتوانند رو نمانند، در آن صورت ممکن است که به عنوان آخرین حربه، سوگند یاد کنند. اما در مورد الله نیز باید چنین باشد؟ کسی که خالق آسمانها و زمین فرض می شود باید فراتر از این باشد که برای مجاب کردن مخلوق خود به ابزاری روی آورد که خود مخلوق نیز با اکراه و در صورت نبود دلایل قوی و روشن، آن را به کار می برد.

سوره های طور، فجر، بلد، شمس، لیل، ضحی و تین را ملاحظه کنید.

سوره ی مدثر، آیه های ۳۲، ۳۳، ۳۴ و ۳۵: كَلَّا وَالْقَمَرَ * وَاللَّيْلَ إِذْ أَدْبَرَ * وَالصُّبْحَ إِذَا أَسْفَرَ * إِنَّهَا لَلْأَحَدَى الْكُبْرَى

نه چنین است [که می پندارند] سوگند به ماه* و سوگند به شامگاه چون پشت کند* و سوگند به بامداد چون آشکار شود* که آیات [قرآن] از پدیده های بزرگ است. (ترجمه ی فولادوند)

چنین (که کافران گویند) نیست، قسم به ماه تابان* و قسم به شب تار چون باز گردد* و قسم به صبح چون جهان را روشن سازد* که این (آیات قرآن) یکی از بزرگترین آیات خداست. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

سوره ی طارق، آیه های ۱۱، ۱۲ و ۱۳: وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ * وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ * إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ

سوگند به آسمان بارش انگیز* سوگند به زمین شکافدار [آماده کشت]* [که] در حقیقت قرآن گفتاری قاطع و روشنگر است. (ترجمه ی فولادوند)

قسم به آسمان فرو ریزنده باران* و قسم به زمین گیاه روینده (برای خلقان)* که قرآن به حقیقت کلام جدا کننده (حق از باطل) است. (ترجمه ی الهی قمشه ای)

۱۲ - موضوعات کم اهمیت

سوره ی نور، آیه های ۲۷ و ۲۸: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُفْهَمُونَ* فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید به خانه هایی که خانه های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید این برای شما بهتر است باشد که پند بگیرید* و اگر کسی را در آن نیافتید پس داخل آن مشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد برگردید برگردید که آن برای شما سزاوارتر است و خدا به آنچه انجام می دهید داناست. (ترجمه ی فولادوند)

ای مؤمنان به خانه هایی جز خانه های خودتان وارد نشوید، مگر آنکه آشنایی دهید و اجازه بگیرید و بر اهل آنها سلام کنید این به خیر شماست، باشد که پند پذیرید* و اگر کسی را در آنها نیافتید، وارد نشوید، تا آنکه به شما اجازه داده شود، و اگر به شما گفته شد برگردید، برگردید که برای شما پاکیزه تر است، و خداوند به آنچه می کنید داناست. (ترجمه ی خرمشاهی)

ای کسانی که ایمان آورده اید در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است، شاید متذکر شوید* و اگر کسی در آن نیافتید داخل آن نشوید تا به شما اجازه داده شود، و اگر گفته شود بازگردید، بازگردید، که برای شما پاکیزه تر است و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (ترجمه ی مکارم شیرازی)

سوره ی لقمان، آیه ی ۱۹: وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ

(پسرم!) در راه رفتن اعتدال را رعایت کن، از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزین) که زشتترین صداها صدای خران است. (ترجمه ی مکارم شیرازی)

و در رفتارت میانه روی اختیار کن و سخن آرام گو (نه با فریاد بلند) که زشتترین صداها صوت الاغ است. (ترجمه الهی قمشه ای)

و در راه رفتن خود میانه رو باش و صدایت را آهسته ساز که بدترین آوازه بانگ خران است. (ترجمه ی فولادوند)

سوره ی حجرات، آیه های ۲، ۴ و ۵: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ* إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ* وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید و همچنانکه بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می گوید با او به صدای بلند سخن مگوئید مبادا بی آنکه بدانید کرده هایتان تباه شود* کسانی که تو را از پشت اتاقها ای مسکونی تو را به فریاد می خوانند بیشترشان نمی فهمند* و اگر صبر کنند تا بر آنان درآیی مسلماً برایشان بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است. (ترجمه ی فولادوند)

ای کسانی که ایمان آورده اید صداهایتان را از صدای پیامبر بلندتر مسازید، و در سخن با او، مانند بلند حرف زدنتان با همدیگر، بلند حرف مزیند مبادا که اعمالتان تباه شود و آگاه نباشید* بی گمان کسانی که تو را از پشت در حجره ها صدا می زنند، بیشترشان نابخردانند* و اگر آنان صبر می کردند که تو بر ایشان بیرون آیی، بی شک بر ایشان بهتر بود، و خداوند آمرزگار مهربان است. (ترجمه ی خرمشاهی)

همان گونه که ملاحظه می شود در آیات فوق به نکات بی اهمیتی اشاره شده است. مثلاً بدترین آواز بانگ خران است، چقدر می تواند واجد اهمیت باشد؟ و یا بلند صحبت نکردن؟ اجازه گرفتن از اهل خانه ای و سلام کردن به ایشان چطور؟ و یا موضوع زنان رسول (احزاب ۵۰، ۵۱، ۵۲ و ۵۳) در حال حاضر چه اهمیتی دارد؟ بهتر نبود به جای این سخنان کمی راجع به حقوق کودکان و نوع رفتار با ایشان، در نکوهش برده داری، در درمان مثلاً سرطان، از شکل و سن واقعی زمین و یا حتی از برخی گیاهان و حیوانات خاص، مانند Hermaphrodite ها (گیاهان و یا حیواناتی که دارای آلت های (تناسلی) مذکر و مؤنث هر دو باشند) سخن رانده می شد؟

بررسی موضوعی قرآن (با نگاهی انتقادی)

در پایان این نوشته، باید گفت که اگر احکام قرآن مشمول مرور زمان نیستند و ازلی و ابدی تلقی می شوند، پس چرا جز سخنان پیش پا افتاده، قصص و حرفهای قدما با چاشنی خشونت و تضاد و ابهام، چندان سخن مفیدی در آن نمی توان یافت؟ چگونه است که کشورهای مسلمان با وجود ایمان به این کتاب، آنقدر پریشان و عقب افتاده اند؟ محمد عبدالسلام^۳ در این خصوص می گوید: در بین تمام کشورهای متمدن جهان، سطح دانش مردم کشورهای اسلامی از تمام کشورهای جهان پایین تر و ضعیف تر است. پیشرفت سطح علم و دانش، مستلزم وجود آزادی عقیده، وارستگی از اجبار در پیروی از آیین های جزمی و انتقاد بدون قید و شرط است که هیچیک از این عوامل با خفقانی که از شرایط نهادی کشورهای اسلامی است، سازگاری ندارند.

محمدحسین مهرابی

mhmehrab@gmail.com

^۳ محمد عبدالسلام تنها مسلمان زاده ای بود که برنده ی نوبل فیزیک شد، آنهم نه با تربیت و ذهنیت اسلامی، بلکه با ذهنیت مدرن علمی و با در اختیار داشتن امکانات حاصل از علم مدرن.